

جواب سوم

دستور و وصیت نامہ

شرعی و قانونی



نویسنده:

سید محمد طاہر مدرس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی

نویسنده:

محمد طاهر مدرسی

ناشر چاپی:

ولایت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۲۰	پیشگفتار
۲۰	وصیت در سیره پیشوایان دین علیهم السلام
۲۳	ثواب داشتن کفن
۲۴	در کفن چه چیز نوشته شود؟
۲۵	فصل اول : داستان های وصیت
۲۵	اشاره
۲۵	مسافر مصمم (حاجی احمد احسانی)
۳۴	به سوی بیمارستان
۳۸	رازهای شگفت انگیز
۳۹	آه از سرنوشت من:
۴۳	نتیجه آتش
۴۵	وصی بی تقوی (دزد رسمی!)
۴۷	جالب و خواندنی
۵۰	وصی مسئولیت شناس
۵۴	صلوات در اتاق بیمارستان
۵۵	دوستان ناباب
۵۷	نتیجه بی بند و باری
۵۸	الگوهای خودسازی
۶۱	نتیجه ی رازها:

۶۲	بازگشت از بیمارستان
۶۴	آخرین تصمیم عملی حاجی احمد
۶۴	وصیت نامه همسر حاجی احمد احسانی
۶۵	حاجی احمد احسانی و عکس العمل ها
۶۶	سرزنش و پاسخ
۶۷	وصی خود باشید
۷۰	فصل دوم : پیش زمینه و اهمیت وصیت
۷۰	اشاره
۷۰	اجل
۷۲	اهل دنیا و آخرت
۷۵	خوبی هر دو جهان در بیان معصوم علیه السلام
۷۷	آرزوهای ناسالم
۷۸	آرزوهای سالم
۸۱	اهمیت وصیت
۸۲	تأخیر وصیت
۸۲	وصیت یا خانه سازی آخرت
۸۳	مرگ بدون وصیت
۸۴	وصیت یک سوم دارایی
۸۵	ضرر زدن به ورثه
۸۶	دزدان میراث، دزدهایی خانگی
۸۷	رابطه وصیت و خودکشی
۸۸	فصل سوم : فرم وصیت نامه و...
۸۸	اشاره
۸۸	شرایط وصیت کننده و وصی و...

۸۹	زمان وصیت
۹۰	محتوای وصیت کامل
۹۰	یکی از الگوهای وصیت از زبان وحی
۹۲	روش نوشتن وصیت نامه
۹۴	شرح کامل وصیت:
۹۹	ورثه قانونی (حصر وراثت)
۱۰۴	وصیتنامه خانم‌ها:
۱۰۷	ادامه وصیت نامه آقای احسانی و همسرش:
۱۰۸	راه حق در وصیت خدا به انسان:
۱۰۹	وجوب دوستی خدا
۱۱۰	وجوب دوستی پیامبر و آل علیهم السلام
۱۱۲	دنباله وصیت نامه حاجی احمد احسانی:
۱۱۲	لزوم تقوی پیشگی
۱۱۳	ضرورت اهتمام به نماز
۱۱۵	ضرورت اهتمام به روزه
۱۱۶	لزوم توجه به وجوهات و...
۱۱۷	داشتن تولی و تبری
۱۱۸	اهتمام به حقوق مردم
۱۱۸	لزوم رعایت حقوق والدین
۱۲۰	توجه به تربیت فرزندان
۱۲۱	ضرورت حفظ حجاب
۱۲۲	پرهیز از نظرکردن به نامحرم
۱۲۳	نگاه کردن شبکه های ماهواره ای و فیلم
۱۲۴	ضرورت پرهیز از اختلاف

- ۱۲۵ پرهیز از بدگمانی
- ۱۲۶ پرهیز از غیبت
- ۱۲۷ پرهیز از تهمت
- ۱۲۷ دوری گزیدن از ریاکاری
- ۱۲۸ به یاد گذشتگان
- ۱۳۰ فصل چهارم : آداب محتضر و میت
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۰ نکته مهم
- ۱۳۱ پیشنهاد:
- ۱۳۳ دعای مخصوص حالت احتضار
- ۱۳۴ آداب بعد از مرگ
- ۱۳۷ فصل پنجم : چکیده برخی از وصایای مهم
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۷ از وصیت های خدای بزرگ (سفارش های ویژه او)
- ۱۳۸ بخشی از وصیت های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴۰ از وصیت های امیرالمؤمنین علی علیه السلام
- ۱۴۱ وصیت نامه مهم و مشهور امام علی علیه السلام
- ۱۴۶ وصیت نامه مهم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۴۹ از وصیت های امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۱۵۰ از وصیت های امام حسین علیه السلام
- ۱۵۱ از وصایای امام زین العابدین علیه السلام
- ۱۵۲ از وصیت های امام محمد باقر علیه السلام
- ۱۵۳ از وصیت های امام صادق علیه السلام
- ۱۵۴ از وصیت های امام کاظم علیه السلام

- ۱۵۴ از وصایای امام رضا علیه السلام
- ۱۵۵ از وصیت های امام جواد علیه السلام
- ۱۵۶ از وصایای امام هادی علیه السلام
- ۱۵۷ از وصایای امام حسن عسکری علیه السلام
- ۱۵۸ از توصیه ها و سفارش های امام زمان (ارواح العالمین له الفداء)
- ۱۵۹ از وصیت نامه الهی و سیاسی امام خمینی رحمه الله
- ۱۶۲ سخن پایانی نویسنده
- ۱۶۴ منابع عمده تحقیق : [ذکر منبع دلیل تأیید نمی باشد]
- ۱۶۸ تذکر مهم :
- ۱۶۹ توجه
- ۱۷۱ درباره مرکز

دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مدرسی، سیدمحمدطاهر، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور : دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی (پیش از سفر حج و ... وصیت لازم است) / سید محمد طاهر مدرسی.

مشخصات نشر : [مشهد]: ولایت، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۹۲ص.

شابک : ۱۲۵۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۷۲-۱۰-۴

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : وصیت نامه

موضوع : وصیت و وصیت نامه ها (فقه)

موضوع : وصیت و وصیت نامه ها -- فرم ها و پرسش نامه ها

رده بندی کنگره : BP۱۹۲/۷م ۵د۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۶۲۹۳۵

ص: ۱

اشاره

ص: ۴

وصیت، دستور خدا (ج)، پیامبر و ائمه علیهم السلام است.

وصیت در امور واجب، واجب است.

وصیت عمر و زندگی را پربار می سازد.

وصیت غافلان را بیدار می کند.

وصیت سفرنامه آخرت است.

وصیت شما را از اموال تان بهره مند می سازد.

وصیت نامه، زندگی خانواده را نیز سامان می دهد.

در این کتاب می خوانید:

۱. داستان مهم حاجی احمد احسانی.

۲. داستان های بسیار جالب و آموزنده.

۳. اهمیت وصیت، اقسام وصیت و ...

۴. روش نوشتن وصیت برای آقایان و خانم ها.

۵. آداب محضر و آداب میت و ...

۶. چکیده ای از وصایای قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ...

ص: ۱۱

پیشگفتار

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

مردن بدون وصیت سخت خطرناک است.

این گونه وصیت نامه بنویسید .

سپاس خدای را که مرگ و زندگی را به عنوان دو پدیده مهم، مثبت، و ارزشمند، آفرید تا بیازماید که چه کسی نیکوکارتر است، و درود بی پایان خدای سبحان، فرشتگان و کائنات بر پیامبران الهی علیهم السلام به خصوص نبی خاتم حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و آل طاهرین او علیهم السلام که نجات بخش بشریت اند، و رحمت بر مؤمنان مخلص و بندگان صالح خدا که با وصیت مشروع زندگانی دنیا و آخرت شان را سامان بخشیده اند.

وصیت در سیره پیشوایان دین علیهم السلام

ص: ۱۲

پیامبران الهی از حضرت آدم علیه السلام تا نبی خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای بزرگوارشان علیهم السلام وصیت های مهمی داشته اند و نیز دستور داده اند که هر مسلمانی باید وصیت کند تا افزون بر پاداش از مال و دارائی شان بی نصیب نماند. در این باره آیات و روایات فراوانی وجود دارد.

* عن الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْوَصِيَّةَ عِنْدَ مَوْتِهِ كَانَ نَقْصًا فِي عَقْلِهِ وَ مَرْوَتِهِ...» (۱)

- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در وقت فوت خود خوب وصیت نکند [وصیت مشروع و معقول] این کار، نقصی در عقل و اندیشه و مروّت اوست ...»

* عنه صلی الله علیه و آله و سلم: «مَنْ مَاتَ عَلَى وَصِيَّةٍ حَسَنَةٍ مَاتَ شَهِيداً.» (۲)

۱- فلاح السائل ۶۶ و میزان الحکمه باب وصیت ۶۸۳۸.

۲- مستدرک الوسایل: ج ۲/۱۱۸

ص: ۱۳

«کسی که با وصیت نیکو و خوب بمیرد با مقام شهید مرده است.»

مستحب است که انسان در زندگی همواره آماده سفر آخرت باشد (وصیت کند، امانات مردم را برگرداند، بدهکاری‌ها را بپردازد، کفن برای خود آماده نماید، کارهای خود را منظم سازد و از گناهان گذشته خود توبه کند و توبه را به تأخیر نیندازد).

*حضرت لقمان علیه السلام به پسر خود وصیت کرد و فرمود: «ای پسرم توبه را به تأخیر میانداز که مرگ، ناگهانی می آید.» (۱)

[مرگ کسی را خبر نمی کند.]

۱- بحار: ۳۰۷/۷۱

ص: ۱۴

صیغه توبه: شایسته است که انسان با غسل و نیت خالص، تصمیم قاطع، و اعتراف قلبی این گونه توبه کند: «إِنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَ جَمِيعَ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ وَ جَمِيعَ خَلْقِهِ، أَنِّي نَادِمٌ عَلَى مَا سَلَفَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعَاصِي وَ مُعْتَرِفٌ بِهَا، وَ أَنِّي عَازِمٌ عَلَى أَنْ لَا أَعُودَ إِلَيْهَا، وَ قَدْ عَاهَدْتُ اللَّهَ تَعَالَى، عَلَى ذَالِكَ أَلْفَ عَهْدٍ فِي عُنُقِي يُطَالِبُنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ صِلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.»

ثواب داشتن کفن

* از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «کسی که کفن همراه خود در خانه داشته باشد از غافلان حساب نمی شود و هرگاه به کفن خود نظر کند خداوند به او اجر و پاداش می دهد.» (۱)

۱- اصول کافی ۲۵۶/۳.

ص: ۱۵

در کفن چه چیز نوشته شود؟

مستحب است که در کفن میت بعد از نوشتن نام و نام پدرش بنویسند «يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ (عج) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أُمَّتُهُ أَئِمَّةٌ هُدًى أَبْرَارٌ»

خواننده عزیز! کتابی را که در دست دارید دارای پنج فصل به این شرح می باشد:

فصل اول: داستان های جالب مسافر مصمم.

فصل دوم: پیش زمینه و اهميت وصيت.

فصل سوم: فرم وصيت نامه آقايان و خانم ها.

فصل چهارم: برخی آداب محتضر و احكام ميت.

فصل پنجم: چکیده برخی وصایای مهم قرآنی و وصایای نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرين. عليهم السلام

ص: ۱۶

منظور، اهمیت وصیت در آیات و روایات و داستان های کتاب حاضر بوده است.

فصل اول : داستان های وصیت

اشاره

در این فصل داستانی از یک انسان وارسته درباره وصیت، آمده است که بحق آموزنده و سازنده است. به دوستان سفارش می شود که با دقت این داستان ها را بخوانند.

مسافر مصمم (حاجی احمد احسانی)

یک روز پدر پیری در گوشه خانه نشسته بود و به محاسن سفید خود دست می کشید، اشک هایش دانه دانه بر گونه هایش می غلتید، شانه های ناتوانش می لرزید و سخت ناراحت بود، یکی از فرزندانش (صادق) که پسر زرنگ، خردمند، حساس و مؤدب بود، و پدر و مادر و... خود را بسیار دوست داشت متوجه پدر

ص: ۱۷

مهربانش شد، با خود گفت: پدرم هر روز بعد از تعقیب نمازش خورسند و شاداب می نشست و با بچه ها و نوه هایش صحبت می کرد، اما امروز به گوشه خانه خزیده و نگران نشسته است، طاقت نیاورد مؤدبانه جلو آمد، سلام کرد، دست پدر را بوسید و با صدای لرزان گفت: پدر! می بینم نگران و گریان هستی؟.

پدرش آهی سوزناک از دل کشید و گفت:

پسرم! سفر مهم و طولانی در پیش دارم!

- شما به سفر می روید؟ .

- آری پسرم.

- با این پیری و ناتوانی سفر برای چه؟

- سفر اجباری است، چاره ای ندارم باید بروم.

- از سفر شما مادر و خانواده، خبر دارند؟

ص: ۱۸

- چه عرض کنم، شاید اصلاً بدانند!

- پدر! به مسافرت رفتن که ناراحتی و نگرانی ندارد، شما چرا گریان و ناراحت هستید؟

- پسر! این سفر با سایر سفرها فرق دارد.

- پدر! شما، کدام روز به سفر می روید؟

- روز و ساعت آن معلوم نیست.

- پدرجان! آیا مادر یا برادرم با شما می آیند؟

- خیر پسر.

- شما به تنهایی سفر می کنید؟

- بله پسرجان! به تنهایی (آه آه از تنهایی).

- پدرجان هیچ کسی همراه شما نیست؟

- شاید شاید چه عرض کنم...

- کسی به شما کمک و رسیدگی می کند؟

ص: ۱۹

- چه می دانم [آه می کشید و اشک می ریخت. ناگاه از سوز دل فریاد زد «یا حسین!»].

- پدرجان مرا با خود نمی برید؟.

- خیر، امکان ندارد خدا شما را حفظ کند.

پیرمرد آه کشید، و با صدای لرزان گفت: خدایا! جز به رحمت تو، و عنایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، علی علیه السلام ، زهرا علیهاالسلام و خاندان رسالت امیدی ندارم.

پسر باهوش احساس کرد پدرش منظور دیگری دارد، از جایش بلند شد با رنگ پریده و بدن لرزان، نزد مادرش آمد، گفت: مادر! پدرم عزم سفر دارد، و سخنان عجیبی می گوید.

- پسر! پدرت به سفر می رود؟ عجیب است.

- آری مادرجان.

- پسر! او شوخی می کند، چه سفری؟

ص: ۲۰

پسر حساس و زرننگ دوید به خانه ای که بعضی از برادران و خواهرانش بودند، سلام کرد آنان هم با مهربانی جواب سلامش را دادند اما احساس کردند که این کودک پیامی دارد. پس از چند لحظه سکوت سنگین، صادق گفت: شما خبر دارید که پدر به مسافرت می رود؟ گفتند: آقا صادق شوخی می کند، چه مسافرتی؟ او توان مسافرت رفتن را ندارد. صادق به گوشه چشم نگاه کرد که هر سه عروس زیر چشمی به هم نگاه کردند و لبخند زدند، یکی گفت: سفر؟! کاش زودتر، دیگری گفت شاید سفر مرگ باشد، سخن سومی را کودک متوجه نشد (بعد معلوم شد که عروس سومی سخت ناراحت شده است و گفته است که این حرف ها چیست؟ او رحمت و برکت است).

ص: ۲۱

دختر کوچک تر (معصومه) که بسیار بابائی بود ناراحت شد و باعجله خود را به پدر رسانید، دید پدرش غمگین و نگران است، تسبیحی از خاک کربلا را در دست دارد و لب های لرزانش مشغول ذکر و دعا است و اشک در چشمان کم نورش حلقه زده است دختر مهربان به پدرش سلام کرد، جواب سلام را بریده بریده از پدر شنید، دست پدر را بوسید گفت: پدرجان! شما عزم سفر دارید؟.

- آری دخترم، ناگزیر از مسافرتم.

- پدرجان! سفر چرا؟.

- عزیزم چاره ای نیست.

- پدرجان! کی حرکت می کنید؟.

- دخترم! بستگی به اراده خداوند دارد.

- پدرجان! چه وقت برمی گردید؟

- دخترم! در این باره سؤال نکنید!

ص: ۲۲

- پدرجان! شما باید زود به زود تلفن بزنید.

پدر آهی از دل کشید و گفت: از تلفن زدن معذورم! تلفن، تلفن آه چگونه تلفن بزنم؟!.

کاش شما مرا فراموش نکنید و تلفن بزنید! اشک پیرمرد مثل رگبار بهاری بر محاسن سفیدش سرازیر شد؛ دختر نازپرورده اش با ناراحتی تمام به نزد مادرش آمد در حالی که قطره قطره اشک بر گونه های معصومش می غلتید گفت: مادر! پدرم خیلی ناراحت است و گریه می کند و عزم سفر دارد.

- دخترم! ناراحت نباش پدرت به سفر نمی رود.

سپس خانم، خدمت شوهرش آمد سلام کرد، پیرمرد با آه سوزناک جواب سلام را داد.

خانم: چه شده چرا گریه می کنید؟ از چه مسافرتی صحبت می کنید که همه را ناراحت کرده اید؟! مسافرت

ص: ۲۳

برای چه؟ مگر توان مسافرت دارید؟ در گوشه خانه به یاد خدا باشید نه به فکر سفر. پیرمرد با صدای لرزان گفت: مگر نمی دانی که کار من تمام است و عمرم به پایان رسیده است. سفر، سفر آخرت است! من برای دنیا خیلی زحمت کشیدم و برای خانواده و بچه ها بسیار کار کردم امّا عمر خویش را به غفلت سپری کردم و برای آخرت خود کاری نکردم می دانم که دستم خالی، عملم ناچیز، قبرم تاریک، سفرم طولانی، آینده ام نامعلوم است و... چه کنم که گریه نکنم؟ در آخر عمر هیچ کاری از من ساخته نیست آه، آه، آه. چه کسی به فریادم می رسد، آیا شما خانم مهربان؟ یا فرزندان، اقوام، دوستان و... نه نه، هیچ کسی جز خدا و اعمال ناچیزی اگر داشته باشم!.

ص: ۲۴

خانم: خدا را شکر کنید، فرزندان برای شما دلسوز هستند و آبرومندانه متوجه شما هستند...

پیرمرد: من متوجه هستم، مراسم فاتحه، عزاداری، روز هفتم، چهلم و... برای چشم و هم چشمی ها و رقابت های جاهلانه و ریاکاری خواهد بود و به حال من هیچ فایده ای نخواهد داشت! من نمی دانم آیا درباره واجبات من (نماز، روزه، زکات، خمس، مظالم عباد، بدهکاری ها و...، کسی از فرزندانم توجه خواهند کرد یا نه؟ نمی دانم، نمی دانم، همه به فکر کار خود خواهند بود، و مرا فراموش خواهند کرد!! گرچه از فرزندان و بعضی از نزدیکانم امیدوار هستم اما برخی دیگر را چه بگویم؟. سپس ساکت شد و سر به زانوی غم نهاده اشک می ریخت؛ سکوت سنگین

ص: ۲۵

فضای خانه را فراگرفته بود، لحظه‌ها به کندی می‌گذشت. ناگاه صدای روح بخش اذان مغرب سکوت را شکست، اهل خانه برای نماز و صرف شام رفتند، شب سپری پس از نماز صبح تحوّل جدید پدید آمد ...

به سوی بیمارستان

اشعه طلایی خورشید از پنجره‌ها سر می‌کشید... ناگهان پیرزن فریاد کشید آی بچه‌ها! آی بچه‌ها! دو نفر از پسران (مهدی و صادق) و یک دختر (فاطمه) و یک عروس (زن عباس) (که بسیار با ادب و با اخلاص بود) دویند وارد خانه شدند با منظره دلخراش افتادنِ پیرمرد در کنار پنجره رو برو شدند، فوراً او را برداشتند و با ماشین شخصی شان به بیمارستان بردند، دختر کوچک (معصومه) که پدرش را بسیار دوست

ص: ۲۶

داشت دید که یکی از عروس‌ها از پشت شیشه پنجره نگاه می‌کند و می‌خندد. معصومه فریاد زد: خجالت بکش چرا می‌خندی؟ عروس: خفه شو! دخترک نازنازی، وقت یتیم شدن توست! دیگر از غُرْغُر آن پیر خرفت راحت خواهیم شد.

معصومه، که دیگر چاره‌ای نداشت با اشک و آه آمد که از برادرانش خبر بگیرد که چرا با پدرشان به بیمارستان نرفته‌اند، دید یکی از پسران (عباس) موی سر خود را شانه می‌کند، دوتای دیگر (پرویز و خسرو) هنوز به خواب ناز هستند! دختر فریاد کشید وای چرا با پدر به بیمارستان نرفتید؟! یکی از برادران (پرویز) عربده کشید، ساکت باش! بگذار بخواهیم، اگر مُرد شاید کسی زیر خاکش کند!! دختر با سرعت هر چه تمام‌تر آمد پای تلفن که خواهرانش را خبر کند، دید کسی با تلفن

ص: ۲۷

صحبت می کند گوش داد که یکی از عروس ها (همسر خسرو) با برادرش صحبت می کند و می گوید: او را به بیمارستان بردند شاید دیگر برنگردد، و از این زندگی دسته جمعی و شلوغ بازار، نجات پیدا کنیم. [زندگی دسته جمعی مشکلات فراوان دارد، در حدّ توان باید آن را حل کرد.] معصومه آرام گوشی تلفن را گذاشت، گوشی را برداشت صحبت قطع شد، معصومه با خواهرش تماس گرفت و گفت: کجایی زود بیا که حال پدرمان خوب نیست، پدر را به بیمارستان بردند، آن دختر بی چاره از پشت تلفن شروع به گریه کرد و گویا جهان در نظرش تاریک شد، گوشی را پرت کرد، با هرسه طفلش به خانه پدرش آمد، دست به گردن خواهرش انداخت و هردو اشک می ریختند که زنگ در به صدا درآمد، در را باز کردند دیدند که برادرشان

ص: ۲۸

(صادق) با خواهر و خانم برادرش از بیمارستان برگشتند، گفتند آرام باشید حال بابا بهتر شده است. خواهران سؤال کردند ناراحتی ایشان چه بوده است؟ صادق پاسخ داد: فشارشان افتاده بود و ناراحتی قلبی هم که داشت اگر چند دقیقه دیگر به دکتر نمی رسید خطرناک بود، هر دو خواهر با مشورت برادرشان چند تا آب میوه از مغازه گرفتند و به بیمارستان رفتند دیدند که پدرشان راحت روی تخت قرار دارد و سرّوم که به دستش وصل است قطره قطره می چکد، و مادرشان کنار سر و پسر بزرگ (مهدی) پایین پای پیرمرد نشسته اند. دختران سلام کردند و از این که حال پدرشان خوب بود خوشحال شدند. دیدند که پنج نفر دیگر نیز در این اتاق هستند. سرّوم پیرمرد (حاجی احمد احسانی)

ص: ۲۹

رو به تمام شدن بود که سه نفر دکتر و دو نفر پرستار، وارد اتاق شدند، گفتند شما بیرون باشید.

مهدی: لطفاً بفرمایید که پدرمان امشب این جا می ماند یا به خانه ببریم؟

دکتر، پرونده و وضع پیرمرد را نگاه کرد، گفت: امشب باید بماند شما مطمئن باشید. سپس فرزندان از پدر اجازه گرفته به خانه رفتند و مادرشان کنار همسرش ماند. (او یار باوفاست اما...)

رازهای شگفت انگیز

پس از بیرون رفتن دکترها، پیرمرد روی تختش نشست. به سایر بیمارانی که در اتاق بودند سلام کرد و حال شان را پرسید، سپس صحبت شروع شد، خانم گوش می داد که چه صحبت هایی می شود.

ص: ۳۰

یکی از مریض‌ها (کریم انوری) گفت: آقای احسانی فرزندان خوب و با ادبی دارید.

پیرمرد: فرزند هر طور باشد پدر و مادر آنان را دوست دارند و از فضل خداوند برخی از فرزندانم خیلی خوب هستند، بعضی دامادها و عروس‌هایم نیز دوست داشتنی هستند؛ من در حق آنان دعای خیر دارم و از الطاف خداوند سپاس گزارم.

آه از سرنوشت من:

کریم انوری: من خیلی بدبختم! سه پسر و دو دختر دارم، آنان تا بیمارستان مرا نیاوردند، همسایه‌ها زحمت کشیدند! در این چهار روز که در بیمارستانم و از درد می‌سوزم از من خبر نگرفته‌اند!

ص: ۳۱

پیرمرد: آقای انوری! شما با پدر و مادر خود چگونه برخورد داشته اید که امروز از فرزندان خود شکایت دارید؛ دنیا دارِ مکافات است!

انوری: برخورد من بدبختانه با والدینم خوب نبود که جداً پشیمانم! و خجالت می کشم.

پیرمرد: پس از رحلت والدین چه کردید؟

انوری: چه عرض کنم؛ وقتی پدرم از دنیا رفت چون پسر بزرگش بودم، مرا وصیتش قرار داد و به من وصیت کرد: یکسال نماز، یکماه روزه، هفتاد نماز آیات و...؛ ائمه متأسفانه من به وصیت هایش عمل نکردم الان فکر می کنم که تمام بدبختی های من از همین ناحیه است؛ ما سه تا برادر و دو خواهر بودیم. دو برادر و یک خواهر ما صغیر بودند، یک خواهر ما هم ازدواج کرده بود بعد از مراسم چهلّم پدرم، به وسوسه همسرم؛ گوسفندان،

ص: ۳۲

زمین و باغ پدری را فروختم هرچه خواهرم داد زد قبول نکردم از روستا به شهر آمدم و بچه های یتیم پدر را به همان خانه روستایی با شش رأس گوسفند و فرش و ظرف کهنه گذاشتم، آخوند محل سه مرتبه با من صحبت کرد که چرا مال صغیرها را تصرف می کنی؟ خوردن مال یتیم مثل خوردن آتش است، چرا به وصیت پدر خود عمل نمی کنی؟ و...، هر بار که صحبت می کرد من جواب سربالا می دادم تا بالأخره با آخوند محل دعوا کردم که تو برای من موی دماغ شدی و او را از خانه بیرون کردم.

پیرمرد: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» آه از غفلت و گمراهی!

انوری: آقای احسانی! به دنباله صحبت هایم توجه کنید! من با پول هایی که از میراث پدر و مال همه ورثه

ص: ۳۳

بود یک خانه که دارای یک مغازه بود رهن و اجاره کردم و برای خانه فرش و ظرف و لوازم تهیه کردم، ظاهراً زندگی من سروسامان گرفت، از این وضعیت خوشحال بودیم گاهی که خواهر و برادرم به شهر می آمدند به خانه ما هم سری می زدند من و همسر با ایشان برخورد بد می کردیم، بعد از سپری شدن پنج ماه و بیست روز، شبی با همسر و بچه ها به عروسی یکی از اقوام مان رفته بودیم فردای آن روز برگشتیم که مغازه و خانه، آتش گرفته و کاملاً سوخته است!! هرچه دار و ندار ما بود همه تبدیل به خاکستر شده بود. پس از آن با زحمت طاقت فرسا، خسارت خانه و مغازه را پرداختم و دیگر روز خوشی ندیدم، از شما چه پنهان پیش اهل روستا و بستگان شرمنده ام، دیگر رو ندارم به آن روستا بروم آخوند محل را دو بار در خیابان دیدم و

ص: ۳۴

خودم را کنار کشیدم، الآن فکر می‌کنم بدبخت‌ترین آدم دنیا هستم، همسرم سال گذشته در گوشه خانه اجاره‌ای از دنیا رفت با مشکلات فراوان مراسم ختمش را سپری کردم و هنوز بدهکارم.

نتیجه آتش

جناب آقای احسانی! آن‌ها نسبت به من دلسوزی داشت و نصیحت‌های خوبی برایم می‌کرد و گویا همین روزهای تلخ را برای من به تصویر می‌کشید، ضررهای دنیایی و آخرتی عمل نکردن به وصیت و خوردن مال مردم و حق یتیمان را بیان می‌کرد و می‌گفت: «خوردن مال یتیم مثل خوردن آتش است و جای تو در جهنم است!!» من سخنان حکیمانه آن روحانی دلسوز را که به حق دکتر

ص: ۳۵

معنوی بود قبول نکردم آخر آتش مرا خورد و جهنم را در دنیا دیدم.

سپس کریم انوری آهی کشید و سر را تکان داد و شروع کرد به اشک ریختن و گفت: اگر در این شرایط بمیرم، چه کسی مرا کفن و دفن می کند، تنها امیدواری من به خواهرانم است، [آن هایی که حق میراث شان را زهر مار کردم]. من شرمنده آن ها هستم، این بود نمونه ای از جهنم دنیایی که دارم، نمی دانم در آخرت چه عذاب هایی در انتظار من است، جواب خدا و والدینم را چه خواهم گفت؟. آقای احسانی (پیرمرد) گفت: از خدا نا امید نباش و توبه کن باید حقوق آنان را برگردانی و رضایت شان را جلب کنی! وصیت خوب است و شما هم باید به وصیت عمل می کردید عمل کردن به وصیت واجب و

ص: ۳۶

لازم است، و هنوز دیر نشده است، باید همواره خدا را در نظر داشت و شما نباید مأیوس و ناامید شوید اگر توبه‌واقعی کنید خدای سبحان شما را خواهد آمرزید.

وصیّ بی تقوی (دزد رسمی!)

یکی از بیماران (آقای دلاوری) گفت: اگر خود آدم ایمان و تقوی نداشته باشد، وصیت نامه چه کند؟ این بابا (آقای انوری) به وصیت نامه پدرش چه قدر عمل کرد که دیگران عمل کنند؟! پدر من هم وصیت نامه داشت و هم مال و دارائی، وقتی که از دنیا رفت، عمویم را وصیّ خود تعیین کرده بود، من یازده ساله بودم، برادرم نه ساله و خواهرم شش ساله، یکسال پس از فوت پدر مرحومم مادرم با عمویم ازدواج کرد، تا دو ماه بعد از ازدواج شان وضع مان بهتر بود، ولی بعد از آن، کارهای دشوار به دوش ما بود و عمویم با هر دو زن و دو

ص: ۳۷

فرزندش دارایی ما را حیف و میل کردند، (وصیت پدرم فراموش شد و...) ما با لباس های کهنه و گاهی با حال مریضی در یک اتاق سرد با پتوهای کهنه و چرکین سپری می کردیم و عمویم می گفت من خودم وصی برادرم می باشم! وصی بود اما تقوی نداشت و دزد با چراغ بود! یک عمّه و یک عموی بزرگتر داشتیم، گاهی می آمدند و می گفتند: «چرا دل شما به حال فرزندان یتیم برادرتان نمی سوزد؟ اموال پدرشان چه شد؟» عموی بی انصاف ما با آن ها دعوا می کرد و مادرم هم خود را کنار می کشید! تا آن که پس از سه سال ما را انداختند تنها خواهرم با ایشان ماند، می خواستیم علیه عموی مان شکایت کنیم که اتفاقاً در یک تصادف باهر دو همسرش کشته

ص: ۳۸

شد، پول‌های عمومی در اختیار دو نفر از دوستان بی بند و بارش بود آن‌ها پول‌ها را انکار کردند.

جالب و خواندنی

یکی دیگر از بیماران به نام «سیدحسین احمدی» گفت: آقای احسانی! حالا که هر کس دفتر زندگی خود را باز کرد من هم خوب است عرایضی داشته باشم: پدر ما (سیدمحمد احمدی) خدمت گزار حسینیّه و مسجد، اهل نماز و روزه و عبادت بود. ماه محرم و صفر همواره لباس مشکی می پوشید و از اموال خود، خرج حسینیّه و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام می کرد. مادرم را پیش از اذان صبح بیدار می کرد که پس از نافله شب و نماز صبح وسایل حسینیّه و صبحانه را برای عزاداران، آماده کند. چون در روستای ما بعد از نماز صبح، روزه بود. والدین ما نمازهای

ص: ۳۹

شان را در اول وقت می خواندند و ما را نیز چنین بار آورده بودند. پدرم همه ساله در اوّل نوروز، حساب سال داشت. ایشان آخوند محل را می آورد، سهم و خمس خود را حساب می کرد و هر سال وصیت نامه خود را تجدید می نمود و می گفت: «وصیت نامه ضروری است اگر وصیت نامه نداشته باشید غیر از کفن و دفن از بقیه اموال و دارایی خود محروم هستید» و در بین مردم اعلام می کرد که همه شما باید وصیت نامه داشته باشید. و باصراحت می گفت: «کسی که نماز نمی خواند حقّ داخل شدن به حسینیه را ندارد، کسی که حساب سال ندارد و وجوهات نمی دهد، نباید در نذر او شرکت کرد» و می گفت: «امام حسین علیه السلام برای روضه خوانی و سینه زنی شهید

ص: ۴۰

نشده است، بلکه برای حفظ دین و نماز و عبادت و برای عدالت و امر به معروف و نهی از منکر شهید شده است و...» پدرم دو بار به کربلا مشرف شده بود، برای ما مهر، تسبیح، گردن بند از خاک کربلا و نیز خلعتی آورده بود، هم چنین برای ما از نهر فرات و از نهر علقمه حضرت ابوالفضل آب آورده بود. پدرم همواره از امام زمان(عج) یاد می کرد و برای سلامتی و فرج آقا دعا می کرد و صدقه می داد، فراموش نمی کنم زمانی را که پدرم مریض شد و ۱۲ روز بیماری ایشان طول کشید، تمام اهل روستا و از روستاهای دیگر به عیادت او می آمدند و برای او دعا می کردند؛ در روز سوم مریضی خود، همسر، فرزندان، برادران و خواهران خود را جمع کرد و وصیت نامه خود را به دست برادر

بزرگم (سیدعلی) داد که بخواند. (پدرم ما را قرآن خواندن و سواد آموخته بود).

وصیّ مسئولیت شناس

برادرم سیدعلی احمدی باصدای بلند وصیت نامه‌پدرم را خواند، و پدرم در همان مجلس دوباره وصیت نامه را به امضای همسر و فرزنداناش رساند و سه بار تکرار کرد که سیدعلی وصیّ من است. سیدعلی نیز در حضور جمع قبول کرد. سپس پدرم دفترچه‌ای آورد که در آن طلبکاری‌ها و بدهکاری‌هایش نوشته شده بود و حتی سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات عظام و زکات و زکاتِ فطره را هم یادداشت کرده بود. در وصیت نامه اش نوشته بود: «پیراهن مشکی مرا که در عزاداری امام حسین علیه السلام می پوشیدم داخل قبر، زیر پهلوی راستم بگذارید» او به فرزنداناش سفارش کرده بود که:

ص: ۴۲

عزاداری امام حسین علیه السلام را خوب برگزار کنند و نیز سفارش کرده بود که همواره خدمت گزار مادرشان باشند و او را نرنجانند.

سرانجام، سحرگاه پنج شنبه پدرم فوت کرد. تشییع جنازه پدرم بسیار باشکوه بود. و شب جمعه به خاک سپرده شد. از روز شنبه که سومین روز فوت پدرم بود، سید علی آخوند محل را دعوت کرد و وصیت نامه را باز نمود، اولین چیزی که روی آن توجه شد مهریه مادرم بود، در وصیت نامه آمده بود، که چندین بار من مهریه همسرم را به ایشان داده ام اما ایشان نگرفته اند. اول مهریه او را بپردازید! سپس ثلث (یک سوم) اموال مرا به مصارفی که به شرح زیر تعیین شده است برسانید:

۱- نماز قضا (نماز یومیه و نماز آیات)

ص: ۴۳

۲- روزه قضا *** ۳- زکات و زکات فطره

۴- سهم مبارک امام (ع) *** ۵- سهم سادات

۶- مظالم عباد *** ۷- حج میقاتی

۸- مراسم عزاداری *** ۹- هزینه تحصیل یک طلبه فقیر

۱۰- مصرف برای حسینیه. *** ۱۱- مصرف برای مسجد محل

۱۲- کمک به ده نفر یتیم. *** ۱۳- قرآن وقفی ۱۴ جلد

۱۴- کمک به برخی از اقوام. *** ۱۵- خرج ازدواج یک یتیم

۱۶- تأمین جهیزیه ی دختری که معلّم قرآن بود.

ما بقی اموال هم بین ورثه تقسیم شد.

[وصیّ باید باتقوی، آگاه به مسایل دینی و بی اعتنا به مال دنیا باشد، وصیّت را قبول کند و...]

پدرم دوتا داماد داشت. داماد کوچکتر نظرش خوب بود، اما داماد بزرگتر که بی سواد هم بود از این وضعیّت راضی نبود (شاید انتظار میراث بیشتر را داشت) هرچه

ص: ۴۴

هم نِق زد و خمیازه کشید کسی توجه نکرد، عنوان داماد و عروس مهم نیست. مهم ایمان و تقوا و تربیت سالم است، راستی عروس های پدرم، بسیار او را دوست داشتند و مرتب دعا می کردند عروس بزرگ پدرم (همسر سید علی) در خانه دیگری نشسته و قرآن می خواند و هر دو کودک او در کنارش بازی می کردند. (تمام آن صحنه ها برای من خاطره انگیز و فراموش ناشدنی است.) یک برادرم بنام سیدهادی و یک خواهرم (طیبه) صغیر بودند حق آنان را کاملاً جدا کردند و در دفتر نوشتند و به مادرمان محوّل کردند، چون پدرم، مادرمان را به عنوان قیم و سرپرست فرزندانش تعیین کرده بود. پس اگر وصیت این گونه باشد و وصی، خدا را در نظر بگیرد و این طور عمل کند خوب نیست؟.

ص: ۴۵

آقای احسانی: بلی اگر وصی، آدم درست و خدا ترس باشد، به وصیت عمل خواهد کرد.

صلوات در اتاق بیمارستان

افراد داخل اتاق سرا پا گوش شده بودند و تحسین می کردند. یکی از بیماران: نثار روحش صلوات! همه با صدای بلند صلوات گفتند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

یکی از پرستاران سراسیمه آمد، گفت: چه خبر؟ گفتند: خبری نیست. گفت: شما صلوات فرستادید ما نگران شدیم. - خیر؛ مشکلی نیست، ما برای گذشتگان مان صلوات فرستادیم.

پرستار: صلوات آری، اما این جا بیمارستان است.

آقای احمدی: معذرت می خواهم. سپس چند دقیقه سکوت حاکم شد.

ص: ۴۶

آقای احسانی (پیرمرد) سکوت را شکست و به هم اتاقی های دیگرش گفت: شما صحبت نکردید؟.

دوستان ناباب

یکی از بیماران (آقای نادری) گفت: بهتر است بنده صحبتی نداشته باشم .

آقای احسانی: چرا؟ شما هم صحبت کنید.

آقای نادری: ما دو برادر و یک خواهر بودیم، ما دو برادر خیلی بد بودیم. یعنی بد نبودیم امّا دو عامل در بدی ما تأثیر داشت: نخست، دوستان ولگرد و بی بند و بار. دوم پدر و مادرمان که بسیار ناز ما را می کشیدند اگر گاهی پدر ما ناراحت می شد، مادر، از ما حمایت می کرد. اگر مادر ما ناراحت می شد، پدر، ما را نوازش می داد! تا آن که ما، نازنازی و پُرو شدیم، درس نخواندیم و کار نکردیم، همواره با دوستان ناباب و

ص: ۴۷

تحت تأثیرشان بودیم، نه کاری، نه احساس مسئولیتی و نه برنامه ای، هنگام حضور در خانه فقط خواب بودیم، و دیگر اوقات و حتی شب ها را در خیابان ها پرسه می زدیم و پیرمردان، کارگران، مستمندان و آخوندها را مسخره می کردیم و... جز به ولگردی به چیز دیگر فکر نمی کردیم، گاهی از مغازه ها چیزی می خریدیم و پول آن را نمی دادیم، دسته جمعی به خانه های همدیگر می رفتیم، به خور و خواب و یاوه سرایی به سر می بردیم و...

یک روز دوستان ما به خانه ما آمده بودند. در وقت بیرون رفتن یکی از آنان قُلُّک صَیْدَقَه را از خانه ما دزدید که پدر و مادرم همواره طعنه می زدند و در حقّ شان دعای بد می کردند.

نتیجه بی بند و باری

جناب آقای احسانی! ما با همان دوستان ناباب به آن بی بند و باری‌ها ادامه دادیم تا آن که در بین مردم بی اعتبار شدیم، دوست و دشمن ما را مسخره می کردند، پدر و مادرم را به حال رقت بار رها و محل را ترک کردیم و برای همیشه بدبخت و رسوا شدیم و هنوز هم، روز روشن به آن محل نمی توانیم برویم، دنیا و آخرت ما بر باد رفت. دعا کنید دشمن جان شما مثل ما رسوا نشود. این کلمه را گفت و سرش را به دیوار کوبید! و آه کشید که همه را متأثر کرد.

پیرمرد آهی کشید و گفت: تربیت خانوادگی، تربیت مدرسه و محیط اجتماع مهم و مؤثر است، و از همه مؤثرتر دوستان و همراهان است، شخصیت هر کسی را

ص: ۴۹

از شخصیت دوستانش باید شناخت و نیز لقمه های حلال و حرام در ساختن انسان نقش بسزایی دارند.

الگوهای خودسازی

سپس آقای محمّد روحانی روی تخت خود نشست؛ او خیلی آدم مؤدب و با وقار بود، گفت: من چند سالی در مدرسه درس خوانده ام و سپس به حوزه علمیه رفته مشغول درس حوزوی هستم و نیز در دبیرستان تدریس می کنم، البته این مطالب را برای خودنمایی عرض نمی کنم معذرت می خواهم؛ بنده وقتی که به صحبت های شما گوش می دادم، فراز و نشیب های زیادی را در افکار خود پیمودم و با عرض معذرت می خواهم تذکر بدهم که برای موفقیت انسان چند چیز نقش اساسی دارد:

۱- تربیت درست خانوادگی.

ص: ۵۰

۲- وضعیت محیط سالم.

۳- داشتن دوستان خوب و سالم.

۴- آموختن علم و دانش.

۵- بهره برداری از عقل و منطق.

۶- از همه مهم تر اتکاء به خدا و پیروی آگاهانه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان آن حضرت علیهم السلام .

۷. داشتن ایمان، تقوا و...

من خدا را سپاس می گویم که پدر و مادرم زنده هستند و سایه آن دو فرشته رحمت الهی بالای سر ما است، بنده، دو برادر و دو خواهر دارم، پدر و مادرمان که پنج فرزند را بزرگ کرده اند، تاهنوز حتی یک بار هم دور از ادب صحبت نکرده اند و با حفظ حرمت یکدیگر با فرزندان شان محترمانه رفتار می کنند، بچه ها در بین شان درگیری ندارند، مؤدبانه صحبت می کنند و به نماز و عبادات شان پایبند هستند؛ پدر و مادرمان مرتب به ما توصیه می کنند که حقوق دیگران را رعایت

ص: ۵۱

کنیم و با اخلاق نیک با تمام اقوام و دوستان مان برخورد کنیم و با افرادی که آنان را نیازموده ایم دوست نشویم، همه اقوام و بستگان، ما را دوست دارند، ما تمام این ها را برای خدا انجام می دهیم و می خواهیم آینده روشن داشته باشیم. و به همین دلیل پس از حق خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام ، حق والدین را که بسیار مهم است کاملاً رعایت می کنیم و از خدا می خواهیم که به ما توفیق عنایت فرماید تا فرزندان صالح باشیم و به وصایای شان خوب عمل کنیم، البته اگر خدمت والدین را خوب انجام دهیم، فرزندان ما نیز رعایت حال ما را خواهند کرد، چرا که دنیا دنیای مکافات و مجازات است.

ص: ۵۲

آقای احسانی (پیرمرد): احسنت، احسنت، هزار آفرین بر شما، شما الگوی خوبی هستید ...

نتیجه ی رازها:

آقای احسانی: از مجموع صحبت هایی که شد باید نتیجه بگیریم که خداوند به بندگانش بهترین نعمت هارا ارزانی داشته است و از رحمت بی پایان او همه بهره مندند که اگر بنده او باشیم و به دستورش عمل کنیم دنیا و آخرت مان آباد خواهند شد، لذا باید از فرصت ها خوب استفاده کنیم، چرا خودمان برای خود کاری نکنیم که در آینده و پس از مرگ، منتظر زن و فرزند باشیم، باید کارهای اصلی را خودمان انجام دهیم، [وصیت لازم است اما او آخرین کار است که از عنایات ویژه الهی است] پس از مرگ مان، اگر آنان به وصیت ما عمل کردند هم به نفع ماست و هم به سود خودشان.

ص: ۵۳

همسر آقای احسانی: شما دوستان با این صحبت‌ها حاجی را حساس تر کردید معلوم نیست که چه بلایی بر سر ما و بچه‌ها بیاورد. [همه خندیدند.]

آقای احسانی نگاه مرموزی به همسرش کرد و ساکت ماند. لحظه‌ای نگذشت که دو پسر آقای احسانی آمدند و سلام کردند، احوال پدر و همراهانش را جویا شدند، صادق به دنبال دکتر رفت، دکتر آمد آقای احسانی و پرونده‌اش را دید، او را مرخص کرد.

بازگشت از بیمارستان

پیرمرد با همراهان اتاق خویش خداحافظی گرمی کرد، آنان از جا برخاستند و بال‌های پرتبسم او را بدرقه کردند. پیرمرد با همسر و فرزندان به خانه برگشتند وقتی به در منزل رسیدند سروصدای زیادی را از داخل منزل شنیدند، [با هم دعوا داشتند] پیرمرد به

ص: ۵۴

اتاقش آمد برخی از بچه‌ها به دیدنش نیامدند و برخی از پشت پنجره‌ها نگاه می‌کردند، همسر پیرمرد بیرون رفت و برافروخته بازگشت.

پیرمرد: چه شده است؟ چرا ناراحتی؟

همسرش گفت: باهم دعوا کرده‌اند.

- دعوا برای چه؟

خانم با ناراحتی گفت: برای چه؟ برای چه؟ برای لحاف ملانصرالدین! فکر می‌کنی برای چیست؟! زنده زنده میراث تقسیم می‌کنند.

پیرمرد آهی کشید و چشم به هم گذاشت، ناگهان صدای سلام معصومه (دختر کوچک) او را نوازش داد. چشمش را گشود و جواب سلام دخترش را گفت و همدیگر را به آغوش کشیدند، دید چشمان معصومه پر از اشک است!

ص: ۵۵

- دخترم چه شده است؟

پدرجان: چیزی نیست. [سریع از خانه بیرون رفت.]

آخرین تصمیم عملی حاجی احمد

پیرمرد پس از صرف یک لیوان چایی، اقدامات جدی کرد، در ظرف سه روز، یک پنجم پول و دارایی خود را در راه خدا صرف نمود، سپس وصیت نامه اش را تجدید کرد، امضای خانم و بچه ها را گرفت و باتمام وجود، آماده سفر آخرت شد و...

وصیت نامه همسر حاجی احمد احسانی

پس از بیرون رفتن بچه ها، همسر حاجی احمد گریه کنان گفت: کارهای خود را درست کردی اما به فکر من نیستی؟ مگر من مسلمان نیستم، مگر من یک عمر در این خانه خدمت نکرده ام؟ مگر من وصیت نامه لازم ندارم؟.

ص: ۵۶

حاجی احمد: ناراحت نباش من به فکر شما هستم؛ سپس وصیت نامه مناسب و مشروع برای همسرش نیز نوشت و امضا کردند.

حاجی احمد احسانی و عکس العمل‌ها

حاجی احمد احسانی که هنوز زنده است می گوید: پس از این اقدام جدی که کردم سروصدای همسایه ها زیاد شد و این کار من مخالفان و موافقان زیادی داشت! برخی به عیادت من می آمدند و کار عملی وصیت نامه ام را تأیید می کردند، اما برخی دیگر مرا سرزنش می کردند!! روزی یکی از همسایه ها آمد (بردن نامش مصلحت نیست) گفت: حاجی احمد! خیلی کار خوبی کردی. بعد از تو ورثه استفاده کنند چه فایده ای دارد به خصوص این دامادها و عروس ها که دشمن انسان هستند و گفتم: کار من خوب و موافق

ص: ۵۷

شریعت بود و حقّ ورثه را تلف نکرده ام، می دانم که از نظر اسلام ضرر زدن به ورثه گناه است. * از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: «ستم و حق کشی در وصیت از گناهان کبیره است» اما شما ورثه را دشمن می گوئید، خیر، آنان دشمن نیستند. من فرزندان، دامادها و عروس هایم را دوست دارم، فرزندان ما پاره های جگر ما هستند، برخی دامادها و عروس ها نیز همانند فرزند به فکر دنیا و آخرت انسان هستند و نباید آنان را دشمن دانست.

سرزنش و پاسخ

روزی تعدادی از همسایه ها به عیادت من آمدند و مرا سرزنش کردند گفتند: حاجی احمد! چه کار کردی؟ این مقدّس مآبی ها چیست؟ شما عادت دیگران

ص: ۵۸

را خراب می کنید!! آخر بچه ها به وصیت شما عمل می کردند نیازی به این کارها نبود.

حاجی احمد: من کار سلیقه ای نکرده ام اگر برخی از کارها را به دست خود در حال اختیار انجام داده ام، مطابق دستور اسلام است که با مراجعه به روایات روشن می شود.

وصی خود باشید

مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تقاضای وصیت کرد، آن حضرت فرمود: «...هَيَّءْ جِهَازَكَ وَاصْلِحْ زَادَكَ وَكُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ...» «... باروبنه ات را آماده ساز و زاد و توشه ات را درست کن و وصی خودت باش، زیرا هیچ

ص: ۵۹

چیز جای (ثواب) خدا را نمی‌گیرد و سخن و وعده خدای سبحان تغییر ناپذیر است». (۱)

* عَنْ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَابْنَ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ...» «ای فرزند آدم! وصی خود در مال و دارایی خویش باش و با آن، چنان (عمل) کن که ترجیح می‌دهی پس از تو با آن، آن گونه عمل کنند». (۲)

با توجه به روایات و داستان‌هایی که مطرح شد؛ حاجی احمد احسانی سه تصمیم مهم گرفت:

۱. برخی از برنامه‌های دینی و اجرایی مهم خویش را شخصاً در حال اختیار به دست خود انجام داد تا چراغ راهش باشد. [وصی خود شد]

۱- کنز العمال: ۴۴۱۶۴

۲- ابهار، جلد ۷۸، ۱۱۱-۲۷۰.

ص: ۶۰

۲. وصیت نامه نسبتاً جامعی نوشت که وصیت های تعهدی، جبرانی و مالی در آن به تفصیل و روشن در کتاب حاضر بیان شده است.

۳. برای همسرش نیز وصیت نامه نوشت. [برادر و خواهر! باید از این داستان ها عبرت گرفت.]

ص: ۶۱

فصل دوم : پیش زمینه و اهمیت وصیت

اشاره

فکر اساسی برای آخرت و زندگی پس از مرگ کار اصلی است که تمام کار و تلاش‌ها باید برای آن باشد، با تحلیل از جایگاه آن، اهمیت وصیت را می‌توان درک کرد، زیرا اجل، کسی را خبر نمی‌کند و از نظر اسلام مردن بدون وصیت سخت خطرناک و محروم شدن از اموال و دارایی و بی بهره ماندن از فیوضات ویژه خدای سبحان است. ندانستن وقت مرگ، زرق و برق دنیا و آرزوهای فریبنده نباید انسان را غافل کند.

اجل

ای اجل! ای واژه بلند آوازه‌ای که قلب‌ها را به طپش و ارکان وجود انسان‌ها را به لرزه می‌اندازی، ای اجل هرگاه بیایی لحظه‌ای جلوتر یا عقب تر نخواهی شد، ای اجل تو که به حضرت سلیمان نبی علیه السلام مهلت ندادی،

ص: ۶۲

به دیگران چگونه مهلت خواهی داد؟ ای اجل تو به امر خدا و ناگهان می آیی پس باید ما همواره آماده باشیم ... «...الْمَوْتُ يَأْتِي بَعَثًا...»

خدا در قرآن می فرماید: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»

«برای هر امتی مدّت عمری است و چون اجل شان فرارسد نه ساعتی تأخیر می کنند و نه پیشی می گیرند.» (۱)

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «أَصْدَقُ شَيْءٍ الْأَجَلُ».

- «راست ترین چیز اجل و مرگ است.» (۲)

و عنه عليه السلام : «أَقْرَبُ شَيْءٍ الْأَجَلُ».

- «نزدیک ترین چیز اجل است.» (۳)

۱- قرآن کریم: الاعراف / ۳۴.

۲- غررالحکم: ۲۸۴۵.

۳- غررالحکم: ۲۹۲۰.

ص: ۶۳

آری؛ با هر نفس کشیدن انسان به مرگ نزدیک تر می شود.

عن إمامِ الْمُتَّقِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... وَالْهَرَبُ مِنْهُ مُوَافَاتُهُ.»

- «... گریز از مرگ، رسیدن به آن است.» (۱)

اهل دنیا و آخرت

انسان ها چهار دسته اند:

۱- کسانی که نه دنیا دارند و نه آخرت و آنان بدبخت ترین انسان ها هستند.

«خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (۲)

«در دنیا و آخرت ضرر و زیان کرده است و این همان خسران است» [پناه بر خدا]

۱- نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۹/۱۱۶.

۲- قرآن کریم/ حج - ۱۱.

ص: ۶۴

۲- کسانی که دنیا دارند (ریاست، قدرت، امکانات، موقعیت، لذت، خوش گذرانی و...) اما از آخرت بی بهره اند «... وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (۱)

«و کسی که تنها منفعت و ثمره دنیا را بخواهد کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارند.» [پناه می بریم به ذات حق]

۳- کسانی که به دنیا دل بسته اند و با ایمان و حفظ شخصیت، زندگی کرده اند و برای آخرت شان برترین کارها را انجام داده اند، آنان سعادت مندند. خداوند در قرآن می فرماید:

« مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» (۲)

۱- قرآن کریم: شوری / ۲۰.

۲- قرآن کریم: شوری / ۲۰.

ص: ۶۵

- «کسی که منفعت آخرت را بخواهد به ثمر و منفعت او افزایش می دهیم».

۴- کسانی که هم دنیای سالم و خوب دارند و هم آخرت نورانی، چون سرسپرده دنیا و اسیر لذت های آن نشده اند، دوستی و عشق دنیا را در دل ندارند، اما از نعمت های حلال و پاکیزه آن به طور معقول و مشروع استفاده کرده اند، درباره این دسته خداوند در قرآن می فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ»

- «و از ایشان کسانی هستند که می گویند: «پروردگارا! در دنیا برای ما خوبی و نیکی عطا فرما و در آخرت برای ما خوبی و حسنه عنایت فرما و ما را از عذاب

ص: ۶۶

آتش حفظ فرما! آن‌ها از کار (و دعای) خود نصیب و بهره‌ای ندارند؛ و خداوند سریع الحساب است.»

این آیه مبارکه خود یکی از عالی‌ترین دعاهاست اما دعا باید برخاسته از عقیده، ایمان و نیت پاک باشد و نباید رفتار، کردار و گفتار ما مخالف با دعا باشد، دعا جایگاه ویژه‌ای دارد و بحثی جداگانه می‌خواهد.

خوبی هر دو جهان در بیان معصوم علیه السلام

* عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.»

- «برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه در آن زنده می‌مانی و برای آخرت خود چنان کار کن (عبادت کن) که گویا فردا می‌میری.» (۱)

ص: ۶۷

* عن علی علیه السلام: «كُنْ فِي الدُّنْيَا بِبَدَنِكَ وَفِي الآخِرَةِ بِقَلْبِكَ وَعَمَلِكَ».

- «با پیکر خود در دنیا باش و با دل و عمل خود در آخرت» (۱) [دل به دنیا میند، دل را آن جا بفرست] باید برای آخرت خود بیشتر و بهتر کار کرد و به آن اهمیت داد.

عنه علیه السلام: «الدُّنْيَا أَمَدٌ وَالآخِرَةُ أَبَدٌ».

- «دنیا تمام شدنی و آخرت همیشگی است» (۲)

عنه علیه السلام: «اجْعَلْ هَمَّكَ لِمَعَادِكَ تَصْلِحْ».

- از حضرت علی علیه السلام: «کوشش و همت خود را مصروف آخرت گردان، اصلاح می شوی» (۳)

۱- غررالحکم ۷۱۶۴.

۲- همان ۲۰۵۰.

۳- غررالحکم ۲۴۱۱.

ص: ۶۸

آرزوهای ناسالم

ای گل های رنگارنگ آرزوها! چه زیبا و خوش نما هستید، و دل و دیده، جسم و جان، روح و روان و تمام دار و ندارم را به خود جلب و در برابر چشمانم صف کشیده اید، خانه، قصر، باغ، زندگی، لذت ها، پول، امکانات، ریاست، شهرت طلبی، زرق و برق دنیا، زن و فرزند و... و صدها آرزوی دنیایی دیگر! مرا در برگرفته و فریفته اید! می خواهید مرا اسیر کنید، به خدا پناه می برم و از او یاری می طلبم.

آه چرا اسیر آرزوها شده ام؟ جواب: چون خدا، آخرت، قبر، قیامت، حساب و کتاب، بهشت و جهنم، پُل صراط، و عالم پس از مرگ را فراموش کرده ام.

* عن امیرالمؤمنین علیه السلام: «أَلْأَمَلُ يُنْسِي الْأَجَلَ.» (۱)

ص: ۶۹

- «آرزو اجل را از یاد انسان می برد.»

* عنه عليه السلام: «الْأَمَلُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ وَيُفْنِي الْأَجَلَ.» (۱)

- «آرزو، کار را تباه و عمر را ضایع می سازد.»

* عنه عليه السلام: «الْأَمَلُ حِجَابُ الْأَجْلِ.» (۲)

- «آرزو پوشاننده اجل (مرگ) است.»

* عنه عليه السلام: «الْأَمَانِيُّ تُعْمِي عُيُونَ الْبَصَائِرِ.» (۳)

- «آرزوها چشمان بصیرت را کور می کند.»

آرزوهای ناسالم انسان را از خدا، آخرت و راه سعادت غافل می سازد.

آرزوهای سالم

نباید احساس کرد که تمام آرزوها نارواست بلکه آرزو و امید عاقلانه و خداپسندانه، اساس پایداری

۱- همان: ۱۳۵۸.

۲- همان ۹۹۷.

۳- همان: ۱۳۷۵.

ص: ۷۰

زندگی است. آرزو همانند هر چیز دیگر سالم و ناسالم، خوب و بد دارد؛ پس باید تغییر جهت داد، و آرزوهای سالم و ارزشی را جاگزین آرزوهای ناسالم کرد، مثل آرزوی عشق به خدا و خدا پرستی، آرزوی بهشت، سعادت، معنویت، تقوا، سرنوشت عالی، گسترش عدالت در کشور و جهان و... .

* عن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي،...» (۱)

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «آرزو برای امت من رحمت است. و اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی بر نمی نشاند.»

* عن السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «...أَسْأَلُكَ... مِنْ الْأَمَالِ أَوْفَقَهَا» (۲) = «از تو مناسب ترین آرزوها را خواهانم.»

۱- بحار: ۸/۱۷۳/۷۷.

۲- همان: ۲۲/۱۵۵/۹۴.

ص: ۷۱

* عن أمير المؤمنين عليه السلام: «الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤَنَسٌ» (۱)

- «آرزو رفیق و یار همدم است.»

اما رسیدن به آن اهداف عالی و برخی آرزوهای ارزنده جز در پرتو ایمان به خدا و کارهای شایسته، میسر نیست. برترین آرزو، آرزوی سعادت دنیا و آخرت است. با آن هم آخرت اصل است.

* عن أمير المؤمنين عليّ عليه السلام: «إِجْعَلْ لِآخِرَتِكَ مِنْ دُنْيَاكَ نَصِيبًا» (۲)

- «از دنیای خود برای آخرت بهره ای بردار.»

* أمير المؤمنين عليه السلام: «هر که تمامکوشش خود را مصروف آخرتش کند به این آرزو (آخرت) برسد.» (۳)

۱- غررالحکم "۱۰۴۲.

۲- همان ۶۹۴.

۳- غررالحکم / ۸۵۱۲.

ص: ۷۲

وصیت سالم و شرعی از شایسته ترین آرزوهاست که در فرهنگ اسلام به آن سفارش شده است.

پیامبران الهی، اولیاء خداوند، ائمه معصومین علیهم السلام و... وصیت نامه های مهم و پرباری داشته اند که خود دستورالعمل و سیره و سنت حسنه است.

اهمیت وصیت

اسلام، دینی است کامل و جامع، که در تمام ابعاد زندگی و زندگانی انسان مقررات سعادت گستر دارد که بدون شك وصیت کردن از مهم ترین برنامه های آن و حق مسلم هر مسلمانی است.

* عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (۱)

– «وصیت کردن وظیفه و حق هر مسلمانی است.»

ص: ۷۳

* عنه صلى الله عليه و آله و سلم: «الْمَحْرُومُ مَنْ حُرِمَ الْوَصِيَّةَ» (۱)

- پیامبر اسلام صلى الله عليه و آله و سلم: «محروم [از رحمت خدا] کسی است که از وصیت کردن محروم شود.»

تأخیر وصیت

* پیامبر خاتم صلى الله عليه و آله و سلم: «بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند، مگر این که وصیت نامه اش زیر سرش باشد.» [چه بسا که همان شب مرگ به سراغش بیاید.]

وصیت یا خانه سازی آخرت

وصیت برای سامان دادن زندگی پس از مرگ است. وصیت یعنی خانه سازی آخرت.

* عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ عَمَّرَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَهُوَ الْعَاقِلُ» (۲)

۱- کنز العمال: ۴۶۰۵۱.

۲- غرر الحکم: ۸۲۹۸.

ص: ۷۴

- امیرالمؤمنین علیه السلام: «کسی که خانه ماندگاری [آخرت] خود را آباد سازد عاقل و خردمند است.»

* عنه علیه السلام: «... مَنْ عَمَّرَ آخِرَتَهُ بَلَغَ آمَالَهُ.» (۱)

- مولای پرهیزگاران علی علیه السلام: «... و هر که آخرت خود را آباد سازد به آرزوهای خود برسد.»

* عنه علیه السلام: «غَايَةُ الْآخِرَةِ الْبَقَاءُ.» (۲)

- امیرالمؤمنین علیه السلام: «پایان آخرت، هستی و بقاست»

مرگ بدون وصیت

متأسفانه برخی بدون وصیت از دنیا می روند، که آنان یا جاهل اند، یا غافل و یا بی پروا.

* عن النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.» (۳)

۱- همان ۸۳۴۷.

۲- همان: ۶۳۵۳.

۳- وسائل الشیعه ب ۱/ ج ۶.

ص: ۷۵

- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که بدون وصیت از دنیا برود مرگ او مرگ جاهلیت است.»

کسی که بدون وصیت از دنیا برود از اموال و دارائی خود محروم می شود (جز کفن و تجهیز و...)

کسی که بدون وصیت بمیرد اگر ورثه صغیر داشته باشد، برای بازماندگانش و سایر مؤمنین که در ارتباط هستند مشکلات زیادی دارد. [تصرف در میراث اگر وارث صغیر داشته باشد حرام است.]

وصیت یک سوم دارایی

انسان می تواند به اندازه معینی وصیت کند مثلاً چند میلیون، و تا یک سوم مالش را مجاز است، بیشتر از یک سوم را اگر وصیت کند در صورتی درست است

ص: ۷۶

که ورثه اجازه دهند. * از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت است: «خدای متعال یک سوّم اموال شما را در هنگام وفات تان به شما صدقه داده است تا بدینوسیله به اعمال شما بیفزاید.» (۱)

ضرر زدن به ورثه

از نظر مراجع، ضرر زدن به ورثه حرام و از گناهان کبیره است، و آن وصیت هم نافذ نیست و نیز محروم کردن وارثین یا برخی آنان را از میراث.

*عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «الْإِضْرَارُ فِي الْوَصِيَّةِ مِنَ الْكَبَائِرِ.» (۲)

- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «ضرر زدن (به وارث) در وصیت از گناهان کبیره است.»

۱- کنز العمال - ۴۶۰۶۴.

۲- همان: ۴۶۰۶۹.

ص: ۷۷

* عن كَيْثِ بَنِي غَالِبٍ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «مَا أَبَالِي أَضَرَّتْ بُولَدِي، أَوْ سَرَفْتُهُمْ ذَلِكَ الْمَالُ.» (۱)

- امام علی علیه السلام «از نظر من تفاوتی ندارد که (در وصیت) فرزندانم را متضرر کنم یا آن مال را از آنان بدزدم.»

دزدان میراث، دزدهای خانگی

گاهی وصیت نامه دزدی، یا دست کاری می شود، و یا وصیت وجود ندارد، برخی از وارث های خدانشناس دارایی میت را بالا می کشند [آنان دزدهای خانگی هستند].

[اطاعت از هوای نفس سخت خطرناک است، عده ای حقّ بعضی از وراثت را به زور یا صحنه سازی، یا حيله می خورند. گاهی اموال میت را تنها پسران میت غارت می کنند. دختران، والدین و همسر میت را

۱- وسائل الشیعه : ۱/۳۵۶/۱۳.

ص: ۷۸

محروم می کنند و باید بدانند که دست انتقام خدا در دنیا و آخرت آنان را مجازات خواهد کرد.

رابطه وصیت و خودکشی

خودکشی، گناهی بزرگ و حرام است، کسی که خودکشی کند بی ایمان از دنیا می رود و به عذاب خدای سبحان گرفتار می شود، مراجع فرموده اند: کسی که عمداً و به قصد خودکشی زخمی به خود بزند یا سمی بخورد که به واسطه آن یقین یا گمان به مردن آن پیدا می شود، اگر وصیت کند که مقداری از مال او را به مصرفی برسانند صحیح نیست. (۱) [حتی وصیت او در امور مالیش باطل است].

۱- توضیح المسائل مراجع باب وصیت.

ص: ۷۹

فصل سوّم : فرم وصیّت نامه و...**اشاره**

اهمیت وصیت روشن شد؛ حال باید دید که وصیت نامه، با چه شیوه و روشی باید تنظیم گردد.

تعریف وصیت

وصیت عبارت است از مطلق سفارش و دستور قابل اجرا، و در اصطلاح خاص فقهی، وصیت آن است که انسان سفارش کند که بعد از مرگش چگونه باشند و چگونه عمل کنند و برای او چه کارهایی انجام دهند یا مال او را در موارد معینی مصرف کنند.

شرایط وصیت کننده و وصی و...

• وصیت کننده باید عاقل، بالغ و .

• وصی، ناظر و قیم، باید مسلمان، مختار باشد عاقل، بالغ، و مورد اطمینان باشند.

اقسام وصیت

ص: ۸۰

وصیت سه قسم است:

۱. وصیت تعهدی: مثل وصیت به امور اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و...
۲. وصیت جبرانی: که برای جبران مافات توصیه می شود: مثل قضای نماز، روزه، وجوهات و...
۳. وصیت مالی: مصرف کردن پول و دارایی برای وقف، امور خیریه، کمک به مستمندان، ساختن مسجد، حسینیه، بیمارستان و...

زمان وصیت

وصیت در هر زمانی [در امور واجب]، واجب است، اما وقتی که انسان نشانه های مرگ را در خود دید باید فوراً امانت های مردم را به صاحبانش برگرداند، بدهکاری هایش را اعم از شخصی، خمس، سهم، زکات، نذر و... پردازد [این است مفهوم آن روایت که

ص: ۸۱

وصی خود باشید یعنی خودتان برخی از کارهای خود را قبل از فرارسیدن زمان مرگ انجام دهید] و درباره بقیه وصیت کند و در وصیت خود شاهد بگیرد و اگر نماز و روزه ی قضا دارد، یا از وجوهات و یا از مردم بدهکار است و یا حج، کفاره و یا دیه بر او واجب شده باشد باید وصیت کند[این وصیت واجب است].

محتوای وصیت کامل

شایسته است که در وصیت نامه مسایل اعتقادی، اخلاقی، مالی، حقوقی، سیاسی، داد و ستد، قضای واجبات، صدقات جاریه و... مطرح شود، آن گونه که در وصیت نامه های پیشوایان دین مان آمده است.

یکی از الگوهای وصیت از زبان وحی

* از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: چگونه باید وصیت نمود؟ آن حضرت فرمود: بگویید:

ص: ۸۲

«اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَانَ الرَّحِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْقَدَرَ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ الْحَقُّ الْمُبِينُ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ وَحَيَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ يَا عُوذَتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ فَبِائْتِكَ إِنْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي كُنْتُ أَقْرَبَ مِنَ الشَّرِّ وَأَبْعَدَ مِنَ الْخَيْرِ وَآنَسَ فِي الْقَبْرِ وَحَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنشُورًا.»

در این وصیت نامه فرازهای مهمی از مسائل اعتقادی و دعا و نیایش آمده است.

ص: ۸۳

برخی از وظایف وصیت کننده

وصیت کننده باید اموال منقول و غیر منقول، بدهکاری و طلبکاری و مشخصات وارث های خود را بنویسد. باید دقیق و روشن وصیت کند، ورثه را محروم نکند و تبعیض قایل نشود. و دو نفر شاهد شرعی امضاء و اثر انگشت نمایند و نیز امضاء وصی، ناظر، قیّم و شاهد‌ها را در وصیت نامه بگیرد.

روش نوشتن وصیت نامه

عکس

ص: ۸۵

شرح کامل وصیت:

مواردی که باید به آن عمل شود عبارتند از:

ورثه قانونی (حصر وراثت)

ص: ۹۰

ص: ۹۵

وصیتنامه خانم ها:

عکس

ادامه وصیت نامه آقای احسانی و همسرش:

فرزندان عزیز! ما (پدر و مادرتان) که شما را تربیت کردیم، از جان خود بیشتر دوست تان داریم، اینک عمر ما به پایان رسیده است از کنار شما به سوی خدا و سفر ابدی می رویم، و شما را به خدا می سپاریم؛ اما عزیزان! شما را وصیت و سفارش می کنیم به فشرده آنچه که خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام فرموده اند. تا شاید برای ما و نیز برای شما سودمند باشد.

راه حق در وصیت خدا به انسان:

برخی توصیه های مهم خدای سبحان به بشر:

«...وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.» (۱) (= این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه های (شیطان و باطل) که شما را از راه او (خدا) پراکنده می کند پیروی نکنید این است که خدا شما را به آن سفارش و وصیت کرده است، باشد که باتقوا و پرهیزگار شوید.»

عزیزان! از راه خدا و راه حق منحرف نشوید، خداشناس و خداپرست باشید. * پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نخستین دانش، خداشناسی است.

۱- قرآن کریم: انعام / ۱۵۳ و دو آیه قبل آن.

ص: ۱۰۰

وَجُوبُ دُوسْتِي خُدا

عزیزانم! خدا را دوست داشته باشید، و بدانید که دوست داشتن خداوند واجب است. * رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أَحِبُّوا اللَّهَ مِنْ كُلِّ قَلْبِكُمْ.» (۱)

– «خدا را با تمام دل و جان دوست داشته باشید.»

البته دوستی خدا فرع شناخت و ایمان به اوست و هر چه ایمان و معرفت قوی تر باشد دوستی خدا جل جلاله ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، امامان و اهل بیت علیهم السلام قوی خواهد بود.

«... وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...» (۲)

«... آنهایی که ایمان راسخ دارند محبت و عشق شان به خدا جدی تر است ...» خدای مهربان بندگان خود را دوست دارد.

۱- کنز العمال: ۴۴۱۴۷.

۲- قرآن کریم: بقره ۱۶۵.

ص: ۱۰۱

وَجُوبِ دُوسْتِي پِيَامْبِرِ وَ آلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

ارجمندانم! پس از دوستی خدا، دوستی پیامبر و آل طاهرینش علیهم السلام واجب و جزء دین و ایمان ما است که به عنوان مزد رسالت در قرآن مطرح شده است؛ لذا باید آنان را دوست داشته و از جان و فرزندان خود، آنان را عزیزتر بدانید، پس از مرگ، مال، قدرت، نژاد، زن و فرزند و... باعث نجات نخواهند بود. تنها ایمان، تقوی، عمل صالح، و دوستی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندانش، نجات بخش خواهد بود.

* عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ : «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ عِتْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ.» (۱)

۱- کنز العمال: ۹۳۰۷۰.

ص: ۱۰۲

«هیچ یک از شما ایمان ندارد مگر آن که مرا از خودش بیشتر دوست داشته باشد، و خانواده مرا از خانواده اش و خاندان مرا از خاندانش و نسل و ذریه مرا از نسل و ذریه خود بیشتر دوست داشته باشد.»

این روایت در کتاب های معتبر فریقین آمده است.

لذا به شما وصیت می کنم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام خود را بشناسید و به آنان ایمان داشته باشید، ذره ای کینه آن ها و نسل شان (امام زاده ها و سادات عظام) را در دل راه ندهید که سخت خطرناک است.

* عَنْ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ لَمْ يُحِبِّ عِتْرَتِي فَهُوَ لِأَحَدِي ثَلَاثٍ: إِمَّا مُنَافِقٌ وَإِمَّا لِرَيْبِيهِ وَإِمَّا أُمْرِي حَمَلَتْ بِهِ أُمَّهُ فِي غَيْرِ طُهْرٍ.» (۱)

۱- الخصال: ۸۲/۱۱۰ و میزان الحکمه: ج ۲، ص ۹۷۴، ح ۳۲۰۵.

ص: ۱۰۳

- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «هر که خاندان مرا دوست ندارد، یا منافق است، یا زنا زاده، و یا نطفه حیض!» (نعوذ بالله)

* عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ». (۱)

- «هر که بمیرد و امام خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.»

دنباله وصیت نامه حاجی احمد احسانی:

حاجی احمد احسانی با استفاده از فرصت، مسایل مهمی را در وصیت نامه اش آورده است که می خوانید:

لزوم تقوی پیشگی

عزیزان! به عقاید حقّه که راه پیامبر و ائمه علیهم السلام است پایدار باشید و در احکام دین از مجتهد

۱- بحار الانوار: ج ۳۲، ص ۷۶، ح ۱.

ص: ۱۰۴

جامع الشرائط تقلید کنید و تقوا پیشه کنید که بالاترین امتیاز در پیشگاه خدا، تقوا و پرهیزگاری است.

خدای متعال جل جلاله می فرماید: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ.» (=گرامی ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست.)

و نیز می فرماید...: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ.» (۱)

«خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می کند.»

* أمير المؤمنين علي عليه السلام می فرماید: «شما را به تقوای الهی و نظم در کارهای تان سفارش می کنم.» (۲)

ضرورت اهتمام به نماز

عزیزانم! به نماز و سایر عبادات تان اهمیّت دهید و نماز شما در هیچ شرائطی ترک نشود که سراپرده دین

۱- قرآ « کریم - مائده - ۲۷.

۲- نهج البلاغه - نامه ۴۷.

ص: ۱۰۵

شما خراب خواهد شد؛ نماز را سبک ندانید و کم اهمّیت جلوه ندهید.

* عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَنْ تَنَالَ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ» (۱) امام صادق علیه السلام در حین ارتحالش فرمود: «شفاعت ما [خانواده] به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد.»

* از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «هر مرد و زنی که نمازش را سبک بشمارد خدای سبحان او را به پانزده خصلت [بلا] گرفتار می کند.» (۲)

بنابراین، نمازهای تان را در اوّل وقت و با شرایط شرعی و در صورت امکان در مسجد و جماعت بخوانید و بعد از نماز به تعقیب نماز بخصوص تسبیح حضرت

۱- مستدرک الوسائل : ۲۹۲۳/۲۵/۳.

۲- الکافی: ۷/۲۶۹/۳.

ص: ۱۰۶

زهرای علیها السلام و دعا و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بپردازید. و فرزندان را نیز از هفت سالگی به نماز و ادار کنید زیرا عبادت های تمرینی برای کودکان و نوجوانان بسیار مفید است.

ضرورت اهتمام به روزه

عزیزانم! شما و خانواده های تان را وصیت می کنم به روزه ماه مبارک رمضان.

* عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ» (۱)

- «روزه سپری است از آتش جهنم.»

* حضرت زهرا علیها السلام فرموده است: «خدا روزه را واجب کرده است، برای استواری اخلاص.»

* عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ الصَّوْمُ فِي الْحَرِّ.»

ص: ۱۰۷

- «روزه در هوای گرم، بهترین جهاد است.»

بدانید که اگر کسی بدون عذر شرعی یک روز روزه خود را نگیرد کار حرامی کرده و ملزم به گرفتن ۶۱ روز، روزه قضا و کفاره می شود.

لزوم توجه به وجوهات و...

فرزندانم! در پرداخت وجوهات شرعی (زکات، خمس و...) مسامحه نکنید. [دزد بیت المال نباشید]

* عن الصادق علیه السلام: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ وَلَا زَكَاةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ» (۱)

امام صادق علیه السلام: «نماز نیست برای کسی که زکات ندهد و زکاه نیست برای کسی که پرهیزگاری ندارد.» [یعنی پذیرفته نخواهد شد]

۱- مشکاها لاناوار: ۴۶.

ص: ۱۰۸

* در روایت آمده است: «ترک کننده حج و زکات به دین اسلام از دنیا نمی رود، بلکه به دین یهود و یا به دین نصاری از دنیا خواهد رفت.» به حساب سال خود دقیق و جدی باشید که حساب قیامت سخت و دشوار است، و هرگاه حج بر شما واجب شد بدون تأخیر انجام دهید و اگر زمینه جهاد فراهم شد در راه دین خدا و ترویج اسلام و قرآن به جهاد پردازید و همچنان امر به معروف و نهی از منکر را برای رضای خدای سبحان انجام دهید.

داشتن تولی و تبری

عزیزانم! تولی و تبری محور اساسی ایمان و تقوا است که انتظار دارم از عمق جان به آن پابند باشید زیرا اسلام و ولایت بدون تولی و تبری، معنا ندارد.

ص: ۱۰۹

اهتمام به حقوق مردم

رعایت حقوق مردم بسیار مهم است.

* امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است.» (۱) مبدا حق مردم و مال مردم را ضایع و یا استفاده نامشروع کنید که سخت خطرناک است و عذاب دنیایی و آخرتی دارد، حتی کسی که در راه خدا شهید می شود با اولین قطره خون او گناهانش آمرزیده می شود، جز حق مردم. در صدر حقوق مردم، حقوق والدین است.

لزوم رعایت حقوق والدین

ارجمندانم! کاری نکنید که ما ناراض شویم زیرا کسی که عاق والدین باشد، از بوی بهشت هم

۱- کافی: ۴/۱۷۰/۲.

ص: ۱۱۰

محروم می شود، اگر عبادت جن و انس را هم داشته باشد جایش در جهنم است. (پناه می بریم به خداوند بزرگ)

و بدانید که استادان و والدین همسر، همانند والدین حق دارند، و از همه مهم تر والدین معنوی و روحانی مسلمانان، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندان شان می باشند، آنان ناراض نشوند و رضایت شان در اطاعت خدا جل جلاله و پیامبر و امام علیهم السلام است.

عزیزان! پس از آن که من از دنیا رفتم مرا فراموش نکنید که من تنها از شما انتظار دارم. و این حقی است که بر شما دارم؛

* عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... بُرِّ الوَالِدِينَ وَاجِبٌ...» (۱)

«نیکی کردن به پدر و مادر واجب است...» [چه در حال حیات و چه پس از ارتحال شان]

ص: ۱۱۱

توجه به تربیت فرزندان

عزیزان! فرزندان خود را خوب تربیت کنید که آنان امانت‌های خدایند، فرزندان صالح برترین سرمایه و تداوم بخش زندگی انسان‌اند، و نیز حقوق فراوانی بر والدین دارند، آنان را بنده خدا، مطیع پیامبر و ائمه علیه السلام، آگاه به فرهنگ دینی و مؤدب بار بیاورید. زنان و دختران را باید با حجاب و اُلگویی عفت و حیا تربیت کنید. فرزندان را از علم و دانش و شرایط زمان آگاه سازید، با انتخاب نام خوب به آن‌ها شخصیت داده از کودکی، محبت خدا(ج)، پیامبر و اهلیت علیه السلام و بهترین آداب اسلامی را به آنان بیاموزید.

* عَنِ الرَّسُولِ الْأَعْظَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَاحْسِنُوا آدَابَكُمْ.» (۱)

۱- همان: ۷۱۰۴.

ص: ۱۱۲

- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم: «فرزندان تان را احترام کنید و آن‌ها را نیکو و خوب تربیت کنید.»

عزیزانم! به شما جداً اعلام خطر می‌کنم که بیشترین بدبختی‌ها در جامعه از بی‌حجابی و بی‌عفتی است؛ رعایت حجاب اسلامی واجب است. حجاب سپری است برای حفظ عظمت، حیثیت، ارزش دینی، ارزش خانوادگی و شخصیت زن.

ضرورت حفظ حجاب

به شما دختران، عروس‌ها و سایر زنان بستگانم وصیت می‌کنم که حجاب خود را حفظ کنید، حجاب اسلام‌جלוه‌ای از رحمت خداوند و میراث گران‌بهای فاطمه‌ها علی‌ها السلام است؛ خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زنان مسلمان دستور داده است، که گوهر گران‌بهای وجودشان را از نامحرم بپوشانند (چه خودی مثل شوهر خواهر، برادر

ص: ۱۱۳

شوهر، پسر عمو، پسردایی و... و چه بیگانه) و از پوشیدن لباس های نازک و لباس های اندامی و بدن نما و لباس های مخصوص کفار اجتناب کنید.

* پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در شب معراج زنانی را دیدم که با موهای شان آویزان بودند، از جبرئیل علیه السلام سؤال کردم این ها چه کسانی هستند؟ گفت: این ها کسانی اند که موهای شان را در معرض دید نامحرم قرار می دادند.

پرهیز از نظر کردن به نامحرم

عزیزانم! به شما توصیه می کنم که نظرهای پاک تان را با نگاه کردن به نامحرم آلوده و مسموم نکنید؛ نظر کردن به نامحرم، تیر زهر آگین شیطان است و بسیاری از فسادهای اخلاقی ریشه در نگاه کردن های مسموم دارد. عزیزانم! همسر برادر، خواهر همسر، همسر عمو،

ص: ۱۱۴

همسر دایی و... نامحرم هستند. به هیچ عنوان به آنان نگاه نکنید که سخت خطرناک است، نگاه کردن شهوانی به زنان غیر مسلمان و عکس نامحرم و به هر چیز حتی مجسمه حرام و گناه است و نظر کردن به عکس زن های نامحرم اگر بشناسید بدون شهوت نیز حرام و گناه است. (۱)

نگاه کردن شبکه های ماهواره ای و فیلم

ارجمندانم! از نگاه کردن به برنامه های گمراه کننده، مظاهر فساد در تلویزیون، شبکه های ماهواره ای و فیلم های نامشروع، فسادانگیز، و استکباری جداً پرهیزید! فرزندان، خانواده و بستگان تان را نیز از این آلودگی های خطرناک برحذر دارید. امروزه ماهواره ها، اینترنت و شبکه های تلویزیون های

۱- برگرفته از توضیح المسائل مراجع تقلید.

ص: ۱۱۵

بیگانه، کمین‌گاه خطرناک و قوی‌ترین تهاجم فرهنگی است، که خود نگه‌داری از آن‌ها ضروری و واجب است. [از تکنولوژی و امکانات موجود و برنامه‌های سالم آن می‌توان به‌طور مشروع و معقول استفاده کرد و به نفع دنیا و آخرت از آن بهره‌ور شد.]

ضرورت پرهیز از اختلاف

عزیزانم! هشدار می‌دهم که هرگز اختلاف نکنید زیرا اختلاف مایه بدبختی و نابودی است، صله رحم را فراموش نکنید که مایه خوشبختی شما و برترین اساس اتحاد است و بدانید که قطع رحم موجب بدبختی در هر دو عالم خواهد بود، قدر همدیگر را بدانید، به بزرگان احترام و به کودکان ترحم کنید، حقوق متقابل را رعایت کنید.

ص: ۱۱۶

عزیزان قدر یکدیگر بدانید

اجل سنگ است و آدم مثل شیشه

هرگونه نفاق و اختلاف را هرچه زودتر حلّ و فصل کنید، و برای اصلاح جامعه بکوشید. از خشم و غضب جداً پرهیزید و در حال غضب تصمیم نگیرید، دوستی و دشمنی شما باید روی معیارهای دینی و برای خدا باشد، آن چه را که برای خود می خواهید برای دیگران بخواهید و آن چه که ناپسند شماست برای دیگران نخواهید.

پرهیز از بدگمانی

فرزندان عزیزم! اگر مشکلی پیش آمد، به خدا و دین و مؤمنان سوء ظن و بدگمانی نداشته باشید، بدگمانی به خدا، گناه بزرگ و در حدّ کفر است، بدگمانی به پیشوایان دین گمراهی است، بدگمانی به

ص: ۱۱۷

مردم مؤمن معصیت است، و نیز سبب نفاق، درگیری، و موجب بر باد رفتن دین و ایمان است.

* عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ الظَّنِّ.» (۱)

- «با بدگمانی ایمانی نخواهد بود.»

پرهیز از غیبت

ارجمندانم! وصیت می کنم، غیبت نکنید که گناهی است بس بزرگ، اگر می خواهید خود شما آبرو داشته باشید، آبروی مؤمنین را حفظ کنید، قرآن به صراحت اعلام فرموده است کسی که غیبت می کند مثل آن است که گوشت برادر مُرده خود را بخورد، غیبت های حضوری، تلفنی، تلگرافی، کامپیوتری، با نامه و با اشاره و... همه حرام و گناه و معصیت است، آخرت خود را با غیبت و گناه بر باد ندهید.

۱- میزان الحکمه ۳۳۹۶/۷.

ص: ۱۱۸

پرهیز از تهمت

فرزندانم! از تهمت زدن به مؤمنین که گناهی است بسیار بزرگ، شما را برحذر می دارم. کسی را متهم نکنید و نیز خود شما در جاهای مشکوک و با افراد مشکوک و دوستان بدنام نباشید که متهم خواهید شد. (نه به کسی تهمت بزنید و نه کاری کنید که خود متهم شوید) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «از جاهایی که مورد اتهام است پرهیزید»

دوری گزیدن از ریاکاری

فرزندانم! در هیچ عمل خیر و اعمال عبادی، ریا و خودنمایی نکنید که ریا شرک خفی است و ریا عبادت را باطل می کند؛ جای ریاکار در جهنم است! جداً به شما توصیه می کنم که: برای من مجالس ختم قرآن و فاتحه ریایی نگیرید. هرگاه تشیع جنازه

ص: ۱۱۹

کردید، اگر نماز خواندید، حرم مشرف شدید، فاتحه دایر کردید، نذر کردید و... فقط برای خدا باشد، از رقابت های ناسالم پرهیزید. من منتظر اعمال خدایی و شایسته شما هستم.

مراسم سوم، هفتم و چهلم و نذر و صدقه های ریایی آتش سوزان خواهد بود! کم عمل کنید اما خالصانه و فقط برای رضای خدا.

توصیه به صبر و شکیبایی

ارجمندانم! در برابر مصیبت ها صبر کنید و دل های داغدار خود را به یاد خدا آرامش بدهید.

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

«تنها یاد خدا دل ها را آرامش می دهد.»

به یاد گذشتگان

ص: ۱۲۰

عزیزان! خدا و مرگ را از یاد نبرید و برای آخرت خود، خوب کار کنید و نیز مرده‌ها را فراموش نکنید که خیلی محتاجند، تا زنده‌های دیگر به یاد شما باشند، آن‌چه را که برای رضای خدا هدیه به اموات می‌فرستید فرشته‌های خدای مهربان آن را با طبق‌های نور به مرده‌های مؤمن می‌رسانند، انتظار دارم که مرا فراموش نکنید.

ص: ۱۲۱

فصل چهارم : آداب محتضر و میت**اشاره**

در این فصل بطور خلاصه برخی آداب محتضر و آداب میت بیان شده است.

الف - برخی از آداب محتضر

فشرده آداب محتضر عبارتند از:

۱- واجب است که صورت محتضر را به طرف قبله کنند (با پشت بخوابانند و کف پاهایش به طرف قبله باشد).

نکته مهم

متأسفانه در برخی از بیمارستان ها تخت محتضر رو به قبله نیست و این واجب کفائی بعهدہ کسانی است که در آن جا مسئولیت دارند و مسلماً در پیشگاه خدای سبحان جوابگو می باشند و نیز هرگاه دکتر احساس کرد که بیمار در حال احتضار است نباید او را اذیت

ص: ۱۲۲

کند (مثل نفس مصنوعی، شوک دادن و فشار دادن قفسه سینه، آمپول زدن و...)

پیشنهاد:

۱. اگر در هر بیمارستان اتاقی مخصوص باشد که محتضر را سریعاً به آن منتقل کنند و یکی از بستگانش مجاز باشد تا بالای سر محتضر، حاضر و به انجام وظایف شرعی پردازد و قرآن بخواند، مشروع و مناسب خواهد بود، و یا در صورت امکان مریض را مرخص کنند تا مسئولیت شرعی نداشته باشند.

۲. مستحب است که بعد از غسل دادن، میت را به حالتی که به او نماز می خوانند، بخوابانند (با پشت بخوابانند که پهلوئی راست میت به طرف قبله باشد).

۳. مستحب است که روی سینه و شکم میت چیزی نباشد و دکمه های او را باز بگذارند.

ص: ۱۲۳

۴. مستحب است که در حال احتضار با صدای بلند سوره های مبارکه «یس، صافات و احزاب» و همچنان «آیه الکرسی» و آیه ۵۴ سوره اعراف و سه آیه آخر بقره را در کنار او بخوانند.

۵. مستحب است که شهادتین و اقرار به ۱۲ امام و سایر عقاید حقه را طوری به محتضر تلقین کنند که بفهمد و تا وقت مرگ هم تکرار کنند.

۶. مستحب است که جز صدای قرائت قرآن، دعا، ذکر و صلوات بر پیامبر و آلش علیه السلام سر و صدای دیگری در نزد محتضر نباشد.

۷. کسی را که سخت جان میدهد، مستحب است که بجای نماز خواندنش منتقل کنند.

ص: ۱۲۴

۸. تنها گذاشتن محتضر، بودن جنب و حیض نزد او، زیاد حرف زدن، گریه کردن و تنها گذاشتن زن در نزد میت مکروه است.

دعای مخصوص حالت احتضار

مستحب است که این دعا را طوری برای محتضر تلقین کنند که بفهمد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الْعَفُورُ اللَّهُمَّ اِرْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ.»

ترجمه: «خدایا! از نافرمانی های زیادی که کرده ام مرا ببخش و طاعت کمی که انجام داده ام قبول فرما، ای کسی که اندک را می پذیری و از بسیار عفو و گذشت می کنی، اندک مرا قبول فرما و از (گناهان) زیاد من

ص: ۱۲۵

درگذر، همانا تو بخشنده و بخشایش گر هستی، خدایا! به من رحم کن زیرا تو رحم کننده و مهربان هستی.»

آداب بعد از مرگ

برخی از آداب بعد از مرگ عبارتند از:

۱. بعد از مرگ مستحب است که چشم‌ها، دهان و چانه میت را ببندند، دست و پای او را دراز کنند و پارچه‌ای روی او بیندازند.
۲. مستحب است در دفن میت عجله کنند و مؤمنین را برای تشییع جنازه اطلاع دهند.
۳. واجب است میت را سه غسل بدهند (با آب سدر، با آب کافور و با آب خالص) سپس مستحب است او را حنوط کنند، آن گاه بر او نماز خوانده دفن کنند. (این احکام واجب کفایی است، اگر کسی آن را

ص: ۱۲۶

انجام دهد از سایر مؤمنین ساقط می شود) و تمام احکام باید مطابق فتوای مرجع تقلید انجام شود.

۴. مستحب است از مؤمنین حاضر، خواسته شود تا برای میت دعا کنند و به خوبی و ایمان او شهادت دهند، و نیز برای او نماز رفع وحشت بخوانند.

۵. از مؤمنین خواسته شود تا او را حلال کنند (غیبت، تهمت، توهین، دشنام، حقوق همسایه، حقوق خانوادگی، و برخی حقوق مالی و...)

۶. از مال مردم و از اموال خمس نداده و مشکوک برای میت خرج نکنند و اگر به پولی که برای کفن، دفن و... مصرف می کنند خمس تعلق گرفته باشد باید خمس آن را پردازند.

۷. مستحب است که میت را در داخل قبر و پس از پوشاندن قبر به تلقین معروف، تلقین دهند.

ص: ۱۲۷

۸. مستحب است گونه راست میّت را روی خاک گذاشته بندهای کفن را باز کنند. و نیز قدری از تربت مقدّس امام حسین علیه السلام جلو روی او بگذارند.

۹. مستحب است در چیدن سنگ لحد یا گذاشتن آجر محکم کاری کنند، و از قسمت پایین پای میّت رفت و آمد کنند.

۱۰. مستحب است قبر میّت را چهار گوش و مسطح کنند (به شکل برآمدگی نباشد)، روی قبر آب بریزند و انگشت‌ها را داخل خاک قرار داده هفت بار سوره مبارکه قدر را خوانده برای میّت دعا کنند.

۱۱. بایدوصی میّت هرچه زودتر به وصیّت‌های او عمل کند. (۱)

۱- نماز، تلفین میت و نماز وجشت و ... را در کتاب گلوآژه‌ها ذکر کردیم [اگر آن کتاب را با خود داشته باشید، جدا مفید است].

ص: ۱۲۸

فصل پنجم : چکیده برخی از وصایای مهم**اشاره**

وصیت و مشتقات آن در قران کریم ۳۲ بار، و در روایات و تاریخ صدها بار مطرح شده است.

در این فصل چکیده برخی وصیت های مهم بیان شده است به منظور اهمیت آن.

از وصیت های خدای بزرگ (سفارش های ویژه او)

خدای بزرگ توصیه های مهمی برای سعادت بشر دارد، که به اشاره دو مورد بسنده می شود:

۱- «... وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا» (۱)

«... و انسان را به نیکی کردن به پدر و مادرش توصیه و سفارش کردیم»

۱- احقاف: ۱۵.

ص: ۱۲۹

خدا در این آیه انسان را به یک امر مهم که احسان به والدین باشد توصیه کرده است.

۲- * عَنْ رَسُولِ اللَّهِ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَتَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! إِنَّ رَبَّكَ يَقْرَأُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَوَصِيُّكَ وَخَلِيفَتُكَ عَلَى أَهْلِكَ وَ أُمَّتِكَ.» (۱)

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم! پروردگارت [به تو درود می فرستد و] می گوید: «همانا علی بن ابی طالب علیهما السلام وصی و جانشین تو در میان خانواده و امت تو می باشد.»

بخشی از وصیت های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم وصیت های فراوانی در ابعاد مختلف دارد که به برخی اشاره می شود.

۱- امالی مفید ص ۱۶۸ ح ۳.

ص: ۱۳۰

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيٌّ وَوَارِثِي قَدْ أَعْطَاكَ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي...» (۱)

- ابوظفیل از عمّار یاسر روایت کرده است: «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هنگام رحلتش، علی علیه السلام را فراخواند و مفصل با او راز گفت، آن گاه فرمود: «ای علی! تو وصی و وارث من هستی خداوند دانش و درک مرا به تو عطا فرموده است...»

* عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُشِيرًا إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا» (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: «این (علی علیه السلام) برادر و وصی و جانشین من در میان شماست فرمانش را بشنوید و اطاعت کنید.»

۱- بحارالانوار: ج ۳۶، ص ۳۲۸ و کفایه الاثر ص ۱۶ و ۱۷.

۲- کنز العمال: ح ۳۶۴۱۹.

ص: ۱۳۱

* عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيًّا وَوَارِثًا وَإِنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَوَارِثِي» (۱)

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «هر پیامبری وصی و وارثی دارد و علی علیه السلام وصی و وارث من است.»

* عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا عَلِيُّ! أَوْصِيكَ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مَعَ الْإِجَابَةِ» (۲)

- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ای علی! تو را توصیه و سفارش می کنم به دعا، زیرا که دعا با اجابت همراه است.»

از وصیّت های امیرالمؤمنین علی علیه السلام

امام علی علیه السلام وصیّت های مهمی داشته اند که برخی عبارتند از:

۱- تاریخ دمشق: ج ۳، ص ۵، ح ۱۰۲۱.

۲- بحار: ۱/۴/۷۷.

ص: ۱۳۲

۱. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَوْصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا وَ الزَّكَاةِ فِي أَهْلِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا وَ الصَّوْمِ عِنْدَ الشُّبْهِهِ...»
(۱)

– أميرالمؤمنین علی علیه السلام: «فرزندم به تو توصیه و سفارش می کنم که نماز را در وقتش بخوانی و زکات را به موقع به اهلس برسانی و در برابر شبهه خاموش باشی...»

۲. وصیت نامه مهم أميرالمؤمنين امام علی علیه السلام است، که به عنوان منشور حیات آفرین در سرلوحه زندگانی انسان های خداجو برترین الگو خواهد بود. به خاطر رعایت اختصار، به ذکر بخش هایی از آن وصیت نامه الهی بسنده شده است.

وصیت نامه مهم و مشهور امام علی علیه السلام

* «وَمِنْ وَصِيَّتِهِ لَهُ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.» (۲)

۱- وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۲۳، ح ۴۲.

۲- نهج البلاغه نامه ۴۷، ص ۳۹۸ ترجمه محمد دشتی.

ص: ۱۳۳

«از وصیت های آن حضرت (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) است، به امام حسن و امام حسین علیهما السلام»

* «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ أَنْ لَا تَبْغِيَ الدُّنْيَا وَ إِن بَغْتُمْ...»

- «شما را به تقوی و ترس از خدا سفارش می کنم، و این که دنیا را نخواهید (دنبال دنیا نباشید) هر چند دنیا شما را بخواهد و بر آن چه دنیا از شما گرفته است اندوهناک نباشید، همواره به حق و درست سخن بگویید و برای پاداش یافتن (در آخرت) کار و کوشش کنید..»

ص: ۱۳۴

* «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا.»

- «همواره دشمن ظالم و ستمگر و یاور مظلوم و ستمدیده باشید. شما و همه فرزندان و خاندان خود و هرکسی که نامه ام به او می‌رسد را به تقوی و ترس از خداوند و نظم و به هم پیوستن کارها و برنامه‌ها و ایجاد صلح و آشتی در میان تان سفارش می‌کنم زیرا من از جدّ شما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «اصلاح کردن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر است.»

* «اللّٰهُ اللهُ فِي الْاَيْتَامِ...»

- «... از خدا بترسید از خدا بترسید درباره یتیمان آنان را گاه سیر و گاه گرسنه نگذارید و با بودن شما آنان فاسد و تباه نشوند (از نظر جسمی و روانی، و

از نظر مادی و معنوی به آنان رسیدگی نموده حقوق آنان را رعایت کنید...»

* «... و الله الله فی جیرانکم، فَإِنَّهُمْ وَصِيَّهٖ نَبِيِّكُمْ ... و الله الله فی القرآن لا یسبِقُکُمْ بِالْعَمَلِ بِهٖ غَيْرُكُمْ، و الله الله فی الصَّلاهَ فَإِنَّهَا عَمُودُ دینِکُمْ، و الله الله فی بَیتِ رَبِّکُمْ لِاتَّخِذُوهُ مَا بَقِیْتُمْ...، و الله الله فی الجهادِ بِأموالِکُمْ و أَنْفُسِکُمْ و أَلْسِنَتِکُمْ فی سَبیلِ الله و عَلَیْکُمْ بِالتَّوَأصْلِ ... لِاتَّزُکُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ و النَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ فَيُؤَلِّی عَلَیْکُمْ أَشْرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا یَسْتَجَابُ لَکُمْ، ثُمَّ قَالَ عَلَیْهِ السَّلَامُ :»

– «... از خدا بترسید از خدا بترسید – درباره همسایگان که آن سفارش پیامبرتان است که همواره درباره ایشان سفارش می فرمودند تا حدی که گمان کردیم برای آنان میراث قرار دهد. خدا را، خدا را، درباره قرآن که دیگران با عمل به آن بر شما پیشی

ص: ۱۳۶

نگیرند. خدا را، خدا را، خدا را، دربارہ نماز که ستون دین شماست. خدا را، خدا را، دربارہ خانہ پروردگارتان (کعبہ مکرمه) تا زندہ هستید، آن را خالی نگذارید که اگر آن را رها کنید (از کیفر الهی) مهلت داده نمی شوید (به عذاب خدا گرفتار می شوید) خدا را، خدا را، دربارہ جهاد، با مال ها، جان ها و زبان های تان در راه خدا، و بر شما باد به همبستگی و دوستی و پشتیبانی هم دیگر، و پرهیزید از جدایی و پشت کردن به یک دیگر، ... امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید (اگر امر به معروف و نهی از منکر را رها کردید) بدترین و فاسدترین شما بر شما مسلط می شوند، آن گاه هرچه دعا کنید دعای شما مستجاب نخواهد شد ... «

ص: ۱۳۷

وصیت نامه مهمّ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام چندین وصیت پر بار گفتاری و نوشتاری داشته اند؛ یک وصیت نامه آن حضرت، به عنوان سند شرعی و دستورالعمل مهم در این جا ذکر شد. [این وصیت نامه ای است با دست خط خود آنحضرت که در زیر متکایش قرار داشته است تا به آن عمل شود.]

ص: ۱۳۸

(وَمِنْ وَصَايَا سَيِّدَتِنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

* هذا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ؛ أَوْصَتْ وَهِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ. «يَا عَلِيُّ! أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي؛ حَنِّطْنِي وَغَسِّلْنِي وَكَفِّنْنِي بِاللَّيْلِ وَصَلِّ عَلَيَّ وَدَفِّنْنِي بِاللَّيْلِ وَلَا تَعْلَمَ أَحَدًا وَأَسْتَدْعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيَّ وَوَلَدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (۱)

۱- بحار ج ۴۳، ص ۲۱۴، وسائل الشيعه، ج ۱۳، ص ۳۱۱، دلائل الامامه ص ۴۲.

ص: ۱۳۹

«ترجمه وصیت نامه»

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر

- «این وصیت نامه فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است در حالی وصیت می کند که شهادت می دهد: خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و پیامبر اوست و بهشت حق است و آتش جهنم حق است و روز قیامت فراخواهد رسید و شک در آن نیست و خداوند همه مردگان را زنده و وارد محشر می کند، ای علی! من فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم خد مرا به ازدواج تو در آورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم تو از دیگران بر من سزاوارتری؛ حنوط، غسل و کفن کردن مرا در شب انجام بده و بر من نماز بگذار و شب مرا دفن کن و هیچ کس را اطلاع نده تو را به خدا می سپارم و بر فرزندانم تا قیامت و رستاخیز سلام و درود می فرستم.»

ص: ۱۴۰

از وصیّت های امام حسن مجتبی علیه السلام

* جناده بن ابی امید می گوید: من خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام در موقع شهادتش مشرف شدم ... عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! به من پند و اندرز بده، فرمود: «آری خود را برای سفر [آخرت] آماده کن و پیش از آن که اجلت برسد توشه خود را بدست آر و بدان که تو دنیا را می جویی و مرگ تو را...» (۱)

* و از وصایای امام حسن به امام حسین علیهما السلام این بود که فرمود: «مرا در تابوتم بگذار و تا قبر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ببر برای تجدید پیمان، سپس به قبر جدّه ام فاطمه بنت اسد علیهما السلام برگردان و در آن جا دفن کن و تو را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوگند می دهم که

۱- فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام، ترجمه علی مؤیدی ص ۱۸۸.

ص: ۱۴۱

در تشییع جنازه من خونی حتی به اندازه خونِ حجامتی نریزد.» (۱)

از وصیت های امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام نیز وصیت های مهمی برای خاندان خویش و مؤمنان داشته اند که به برخی اشاره می شود.

یکی از وصایای مهم آن حضرت در روز عاشورا و در دوّمین وداع با اهل بیتش این بود:

* عنه علیه السلام: «إِسْتَعِدُّوا لِلْبَلَاءِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ حَامِيكُمْ وَحَافِظُكُمْ وَسَيُنَجِّيكُمْ مِنْ شَرِّ الْأَعْدَاءِ...» (۲)

- آن حضرت برای دوّمین بار که با اهل و عیالش وداع می فرمود آنان را به صبر، شکیبایی و پایداری توصیه کرد و فرمود: «برای روزهای سخت و غمبار

۱- همان ص ۱۸۹.

۲- مقتل مقرر ص ۳۳۷، بنقل از جلاء العیون.

ص: ۱۴۲

آماده باشید و بدانید که خداوند پشتیبان و حافظ شماست و در آینده نزدیک، شما را از شر دشمنان نجات خواهد داد...»

* عَنْ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا بَنِي إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَأَيِّجِدُ عَلَيْكَ ناصِراً إِلَّا اللَّهَ» (۱)

- امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: که پدرم امام سجاد علیه السلام فرمود: (از جمله وصایای پدرم امام حسین علیه السلام این بود): «فرزندم بپرهیز از ستم کردن بر کسی که مدافع و یار و یاورى جز خدا ندارد.»

از وصایای امام زین العابدین علیه السلام

امام سجاد علیه السلام وصیت های مهمی دارد. * از جمله در بخشی از وصیت هایش می فرماید: «خداوند را به سبب قدرتی که بر تو دارد دوست بدار و به خاطر

۱- سخنان امام حسین علیه السلام، نجمی: ص ۲۸۴ و اصول کافی: ج ۲، ص ۳۳۱، ح ۵.

ص: ۱۴۳

نزدیک بودنش به تو از او، شرم کن و هرگز با کسی دشمنی نکن... و به هیچ دوستی، سبک سری و ستم روا مدار... هر کس از تو پوزش خواست عذر او را بپذیر هر چند بدانی که دروغ می گوید. باید بخشش و گذشت از مردم ورد زبانت باشد.» (۱)

از وصیّت های امام مّمّد باقر علیه السلام

* امام مّمّد باقر علیه السلام در یکی از وصایای پربارش برای جابر جعفی فرمود: «تو را به پنج چیز وصیّت و سفارش می کنم؛ اگر به تو ستم کردند، تو ستم مکن، اگر به تو خیانت کردند تو خیانت مکن، اگر تو را تکذیب کردند عصبانی نشو، اگر مدح و ستایش کردند خوشحال مشو، اگر مذمت کردند دلگیر و

۱- ترجمه میزان الحکمه: ج ۱۴ ص ۶۸۲۰.

ص: ۱۴۴

ناراحت نشو، بلکه در آن چه که درباره تو گفته شده است فکر کن و بیندیش...» (۱)

از وصیّت های امام صادق علیه السلام

صادق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم وصایای عمده ای در همه ابعاد زندگی دارند که به بیان یک مورد بسنده می شود:

* «أَفْضَلُ الْوَصَايَا وَالزَّمُّهَا أَنْ لَا تَنْسَى رَبَّكَ...» (۲)

- امام جعفر صادق علیه السلام: «برترین و لازم ترین و ضروری ترین وصیّت ها و سفارش ها این است که پروردگارت را فراموش نکنی و همواره به یادش باشی و نافرمانی اش نمایی و نشسته و ایستاده بندگیش کنی.»

۱- تحف العقول: ص ۲۸۴.

۲- بحار الانوار: ج ۷۸، ص ۲۰۰، ح ۲۷.

ص: ۱۴۵

از وصیت های امام کاظم علیه السلام

* امام موسی بن جعفر علیه السلام در بخشی از وصایایی که به هشام بن حکم داشت، فرمود: «يَا هِشَامُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبِ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ...» (۱)

- «ای هشام! آن که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند (از خود حساب نگیرد) از ما نیست، تا اگر نیکی کرده است به آن بیفزاید و اگر بدی کرده است، از خدا آمرزش بخواهد.»

از وصایای امام رضا علیه السلام

* امام هشتم علیه السلام در یکی از وصایای خود می فرماید: «صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرِبَتِ مِنْ مَاءٍ...» (۲)

۱- تحف العقول: ترجمه احمد جنتی: ۶۳۰.

۲- همان: ص ۷۱۰.

ص: ۱۴۶

«با خویشاوند خود محبت و پیوند کن اگر چه به جرعه آبی باشد و بهترین صله رحم خودداری از آزار اوست. خدا جل جلاله فرمود: «صدقه ها [انفاق و کمک] خود را با منت گذاشتن و اذیت و آزار باطل نکنید.»

از وصیّت های امام جواد علیه السلام

شخصی از امام جواد علیه السلام خواست تا او را توصیه کند، حضرت فرمود: «می پذیری؟» عرض کرد: «آری، فرمود: «صبر و شکیبائی را بالش خود ساز و فقر را در آغوش بگیر، شربت ها و لذت ها را دور انداز و با هوا و هوس مخالفت کن و بدان که هرگز از چشم خدا پنهان نیستی [هرجا باشی در محضر خدایی و تورا می بیند] پس مواظب باش که چگونه و در چه حالی؟»

ص: ۱۴۷

از وصایای امام هادی علیه السلام

* حسن ابن مسعود می گوید: «محضر ابوالحسن علی ابن محمّد (امام هادی) علیه السلام شرفیاب شدم آن روز انگشتم ضربه دیده بود؛ گفتم: خدا شرّ تو، روز، را از من کوتاه کند چه روز شومی هستی؟ حضرت فرمود: تو هم این حرف ها را میزنی؟ با این که با ما رفت و آمد داری، گناه خود را به گردن بی گناهی می اندازی؟ [روزها و ساعت ها گناهی ندارند] حسن می گوید: من متوجه شدم گفتم مولای من! استغفر الله... حضرت در ضمن فرمایشات خود گفت: حسن! مگر نمی دانی که ثواب و عقاب و مکافات عمل در دنیا و آخرت به دست خداست؟ گفتم: چرا مولای من. فرمود: دیگر تکرار نکن و برای روزها نقش در حکم خدا قائل مشو، گفتم: «چشم مولای من» (۱)

۱- تحف العقول: ص ۷۷۰.

از وصایای امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام در یکی از وصیت نامه هایش برای شیعیانش این گونه فرموده است:

* عَنْ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِشَيْعَتِهِ: «أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ...»

- امام حسن عسکری علیه السلام برای شیعیانش: «شما را توصیه و سفارش می کنم به تقوای الهی و پارسایی در دین تان و سعی و کوشش برای خدا و راستگویی و بازگرداندن امانت به کسی که به شما امانتی سپرده است خوب باشد یا بد و طول دادن سجده و خوش همسایگی؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای این ها آمده است، ...

ص: ۱۴۹

* «...إِتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا...» (۱)

در ادامه می فرماید: «از خدا بترسید و مایه آراستگی و آبرومندی (ما) باشید نه باعث عیب و ننگ (ما) ...»

از توصیه ها و سفارش های امام زمان (ارواح العالمین له الفداء)

* ولی عصر (عجل الله فرجه) در راستای رهبری جامعه در زمان غیبتش این گونه توصیه و سفارش می فرماید: قَالَ الْإِمَامُ الْمَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاثِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ». (۲)

- امام مهدی (عج): «در زمینه رخدادهایی که به وقوع می پیوندد به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم.»

۱- تحف العقول: ص ۷۸۲ و ترجمه میزان الحکمه: ج ۱۴ ص ۶۸۳۴.

۲- الاحتجاج: ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۳۴۴.

از وصیت نامه الهی و سیاسی امام خمینی رحمه الله

در طول تاریخ، اندیشمندان و متفکران مسلمان وصیت نامه های ارزشمندی به یادگار گذاشته اند که از مهمترین آن ها وصیت نامه فقیه خردمند حضرت امام خمینی رحمه الله است که با الهام از قرآن و فرهنگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام وصیت نامه جامعی از اصول، فروع، سیاست اسلامی و... ارائه داده اند که خود منشور بزرگی است برای نظام اسلامی و مسلمانان جهان فراتر از مرزهای جغرافیایی؛ در این جا به گوشه های آن اشاره می شود: «و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی - الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد..» (۱)

۱- وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره) قطع جیبی ص ۱۲.

ص: ۱۵۱

بیداری - استقلال

و نیز فرموده اند: «باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند و با اراده مصمم و فعالیت و پشت کار خود، به رفع وابستگی ها قیام کنید...» (۱)

و در بخش دیگر می فرمایند: «...و وصیت من به ملت های کشورهای اسلامی این است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف، که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می بخشد قیام کنید...» (۲)

۱- همان ص ۳۹.

۲- وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره) قطع جیبی ص ۵۶.

ص: ۱۵۲

و در بخش دیگر آمده است: «و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است...» (۱)

قلب مطمئن

آن رهبر فرزانه که به حق تا پای جان مبارزه کرد و نظام مقدّسی را به وجود آورد و روح بلندش با یاد خدا آرامگرفت که می فرماید: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و

۱- وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره) قطع جیبی ص ۹۰.

ص: ۱۵۳

از خدای رحمان و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.»

سخن پایانی نویسنده

در پایان عرضه می‌دارم: علما، دانشمندان، مبلغان، خواهران و برادران! با توجه به وضعیت امروزی و فراموش شدن برخی از فزاهای فرهنگ اسلامی مسئولیت ما سنگین تر و رسالت ما جدی تر شده است؛ امیدواریم همه احساس مسئولیت کنند؛ امروز واجب است که مسائل اعتقادی، احکام شرعی، مسائل سیاسی، دستورهای حقوقی و... از هر طریقی و به هر روش ممکن [توسط رسانه‌ها، کتاب‌ها، نشریه‌ها، نمایشنامه‌ها، سخنرانی‌ها و...] بیان شود و به شبهات پاسخ ارائه شود.

ص: ۱۵۴

این برادر شما خواست یک اشاره کوتاهی به فرهنگ وصیت داشته باشد، تا شاید گام خیری باشد برای سعادت و خوشبختی نویسنده و پویندگان حقیقت.

به عنوان حسن ختام، این نوشتار را با این دعا به پایان می برم. «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَيَاةً طَيِّبَةً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاحْشُرْنَا مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فُرُجَهُمْ وَارْزُقْنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَتَهُمْ وَفِي الْآخِرَةِ شَفَاعَتَهُمْ.» آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

التماس دعا

مؤلف: سید محمد طاهر «مدرسی حجازی»

ص: ۱۵۵

منابع عمده تحقیق : [ذکر منبع دلیل تأیید نمی باشد]

قرآن عظیم الشان.

اصول کافی؛ مرحوم کلینی (ره) ترجمه کمره ای چاپ ۳-۱۳۷۵

الاحتجاج؛ ابی منصور احمد بن علی الطبرسی طبع ۱۴۰۳ ه ق

بحارالانوار؛ مرحوم علامه مجلسی (ره) تحقیق علوی... ۸۸، تهران.

تحف العقول؛ ترجمه احمد جنتی، انتشارات امیر کبیر تهران ۱۳۸۴.

غررالحکم؛ عبدالواحد تمیمی آمدی، ضریح آفتاب ۱۳۸۱

فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام؛ ترجمه علی مؤیدی چاپ اول

فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام؛ محمد صادق نجمی چاپ اول

کنز العمال؛ المتقی الهندی، مکتبه التراث الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۷.

میزان الحکمه؛ محمد محمدی ری شهری دارالحدیث، ۱۳۸۵.

من لایحضره الفقیه؛ للصدوق (ره) تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم.

نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، ناشر: بکاء، چاپ کوثر ۱۳۸۶.

وسائل الشیعه؛ مرحوم حر عاملی (ره) نشر مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.

وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره) تهران نشر آثار، ۱۳۷۳.

...و

ص: ۱۵۶

آثار چاپ شده مؤلف:

۱. زمزم نور (دائرة المعارف حرمین) چاپ دوم.
۲. خوشه های خورشید در سوریه.
۳. ارمغان ازدواج (ارمغان ۱) چاپ سوم.
۴. گلوآژه های معارف (۱) چاپ پنجم.
۵. کتاب حاضر (وصیت نامه) چاپ چهارم.
۶. دفترچه ازدواج (نکاح نامه رسمی) جالب ترین عقدنامه. چاپ هفتم.
۷. ارمغان تربیت (ارمغان ۳) چاپ اول. در ۳۰۰۰ نسخه.

آثار چاپ نشده مؤلف:

۱. همگام با فرشتگان (با زائران عراق).
۲. ارمغان خانواده (ارمغان ۲). در راه است.
۳. ارمغان تربیت (ارمغان ۳).

ص: ۱۵۷

۴.آبشار رحمت

۵.عقائد

۶.برگی از انقلاب اسلامی.

۷.شکوفه های یاس (اشعار مدرسی حجازی).

۸.صلوات (ارمغان محبوب).

۹.درس هایی پیرامون وهابیت.

۱۰.پاسخ به پرسش های دینی.

۱۱.حدیث منزلت.

۱۲.مقالات.

۱۳.تحقیق درباره امامت.

۱۴.۲۰. مصاحبه ها و کارشناسی معارف در رادیو.

۲۱.گلوآژه های معارف (۲)

ص: ۱۵۹

تذکر مهم:

* در کتاب گلوآژه های معارف، مهمترین مطالب ضروری را نوشته ام (اصول دین، فروع دین، مسائل شرعی، مسائل عقد، آداب نوزادان، آداب اموات، تلفین، نماز میت، دعا و ...)

شایسته است که این کتاب را با خود داشته باشید و نیز به دوستان خود تحفه بدهید.

* کتاب ارمغان ازدواج (ارمغان ۱) گنجینه اسراری است برای نسل جوان (اعم از پسران و دختران)

* ارمغان تربیت (ارمغان ۳) نمونه دانشکده کودک و نوجوان در راه است.

ص: ۱۶۰

توجه

در کتاب ارمغان خانواده (ارمغان ۲) مطالعه خواهید کرد:

* ازدواج بدون طلاق

* طلاق حلال منفور

* برنامه های آرامش بخش

* زمان آمیزش سودمند و...

* آمیزش های خطرناک

* مکان آمیزش

* روش های آمیزش لذت بخش

* حقوق متقابل زن و شوهر

* محبت جایگزین خشونت

* ناتوانی جنسی و برترین درمان آن

* عوامل سنگ کلیه، مثانه، سوزاک، سفلیس و...

* راه های درمان ...

ص: ۱۶۱

*أمیر المؤمنین علیه السلام: ازدست دادن فرصت، اندوه بار است.

با بال نیرومند دین و دانش پرواز باید کرد.

شایسته است که در هر شب و روز اوقاتی برای مطالعه در نظر گرفته شود.

بامطالعه فهرست هر کتاب به اهمیت آن آگاه خواهید شد.

خریدن کتاب های مفید به عنوان صدقه جاریه و دارای پاداش خواهد بود.

فرزندان را با دین و دانش و اخلاق خجسته تربیت باید کرد.

کتاب بهترین تحفه برای دوستان و دارای ثواب فراوان است.

خوش گفتار، خوش رفتار و خوش کردار باید بود.

همواره خوش خو، خوش رو و خوش بو بایست بود.

به بزرگان احترام کنید تا عمرتان پربرکت گردد.) جز خدا را پرستش نکنید و به والدین احسان نمایید.» (قرآن کریم)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

